

میرزا زین العابدین تفرسی با سربو حرمه که در سنه ماشیه لوی نیل بوکالت کیلان سرفراز شده بود در امر و  
 اتولایت بطوریکه باید مراتب جد و جدی و امانات خود را مشهود خاطر اولیای دولت علیه داشته مورد محبت که دیدند  
 در این اوقات یکتوب جبه کرمانی باد خلعت مرشد (عالیجاتیجه الامراء العظام محمداقربخان سرتنگ فوج  
 ششم تبریزی که ما موجود است سران شد و موت درین روزنامه مسطور کردید چون مراتب امانات خود را در نظر  
 ار استکی فوج تبریز مشهود خاطر اقدس هالیون داشته بودند از جانبی بچوانب طوکانه یکطاشال تریبیا خلعت  
 کردید) (چون مقرب انجاقان امیر الامراء العظام محمداقربخان ایکساقاسی بابشی در روز عید نوروز سلطانی نظم  
 سلام دیوانخانه بزرگ را بطور خوب و شایسته داده و خاطر اقدس هالیون شاهنشاهی را از حسن کفایت و کادرا  
 خود حسند داشته بودند لهذا محض ظهور محبت طوکانه یکتوب جبه ترمذ علی از طلبوس بدن مبارک ما بومر  
 فرمودند) (در روز و شب سیم این ماه اعلیحضرت قوی شوکت شایقی میبایان نظام تشریف فرما کرد  
 افواج قاهره متوقف دارا اختلاف در حضور مبارک مشق نمودند حرکات مشق و آراستگی آنها مستحسن و مقبول خاطر  
 طوکانه افتاده لصاحب مضبان و عموم احاد و افراد لازم توارش و التفات را فرمودند) (مقرب انجاقان  
 پاشا خان سرتیب این روزنامه از دربار جبه ترمذ رخص و مأمور کردید که رفته کسر فوج قهرمانیه و خنجال را کمان  
 بشا رالیه ابوابیج شده است تمام نماید و آنها را آماده ساخته بدینچه حکم سو و معمول دارد) (خورخانیان  
 اوز با بجاننی که احضار در دربار هالیون شده بودند این روزنامه وارد دارا اختلاف طهران کردیدند) (سابق برین  
 اعلام از جانب دولت علیه شده بود که هر برات و سند دیوانی که در دست کسی لاوصول باندالتیه و یلی خواهد داشت  
 که بان سبب ادای تجواه آن را از جانب دیوانیان عظام اقدام شده است و نیز در ضمن همین معنی اعلام شده بود  
 که هر کس برات و سند دیوانی ابوالغرض از سالی بسال دیگر بماند و برات مذکور حسابی با و از روی غلطی اتفاق افتاده با که وجه  
 آن سربان صاحب برات لازم است که در سال نوآه برات خود را تجدید نماید تا درجه برابریم برسد و دیوانیان عظام را در ادارات  
 صرفی نزد چون این مطلب از جمله اهم مطالب است و استحضار عامه نامس ازین فقره ضرور لازم بود لهذا مجدداً در ضمن این  
 روزنامه با تصریح اعلام میشود که این حکم دیوان اعلی را کلی و عمومی دانسته بعد ازین کس را بر حسب التفاتی  
 سندی و درست بماند در سال نو بد فرخانه مبارکه آورده تجدید نماید و از مهر و ثبت جدید مستوفیان عظام بگذرد  
 و الا آن برات حکماً از روی دلیل خالی از وجه و خارج از درجه اعتبار خواهد بود بهیچاعت که هر برات حسابی  
 در همان سال صدور برات نماید میشود و اگر نشد دلیل بر بطلان آن موجود است و یا اگر سهو و بیبمان شده باشد  
 تجدید لازم دارد و در هر حال بر و آه کهنه دیوانی را ما دام که تجدید نشود اعتبار رسیده بهیچوجه نخواهد  
 بود

۲۱۱۶

امور دارالخلافه طرآن و توابع از حسن اقب و اتمامات نواب مستطاب هزاره پنجم و الا بتبارید  
حکمران دارالخلافه و مقرب الخاقان میرزا موسی و وزیر در عین انظام است و با ایچایان محسود خان کلانتر و  
که خدایان حسب الامر بطسم امور شهر و محلات و انجام خدمات محکو که بخود مشغول میباشند و امر و اول  
در نهایت انقباط است و سرعت و خلاف حساب بسیار بدت اتفاق می افتد و انالی و دارالخلافه در کمال  
فراغت و آسودگی بدعا کونی ذات اقدس پون شاهنشاهی شتغال دارند در دروس سیردهم عید تقانون  
دولت علیه مردم از صغیر و کبیر و کاهن و بازار را رالسبتی بجهت تفریح و تماشا به بیرون شهر و باغات و  
و سبزی کارها میروند و آن روز را بیس و تفریح و سرور بسیارند در از من سابقه از بعضی جهال و الواط و روز  
مربور بهرنکی و شترارت بروز میگرد در این ایام از کمال مراقبت اولیای دولت علیه شترارت و هرزگی  
موقوف است و کسی قدرت حرکت خلاف حساب ندارد و چنانچه درین سیزده عید با وصف کثرت و ازداد  
خلق که از همه دروازه بیرون رفته بودند و در هر طرف جمعیتی منعقد بود صدای خلاف از اصدی بلند شد  
و از بیچکس خلاف حسابی ناشی و صادر گردید ( از اخبار دول خارج اگر چه در صغیر پنجم و ششم بعضی فقرات  
نوشته شده ولی یک دو فقره که تازه ترجمه شده و تا زکی داشت درین صغیر مسطور گردید ) ( در روزنامه  
فرمانستان نوشته اند که نوکر یک صراف رفقه بود که برآه نه صد تومان و صوا کند و آن پول را برات دو  
گرفته بود و در مراجعت شخصی باو برخورد بود که لباس و خردوشی مثل لوکر صرفت داشت و باو گفته بود که  
هم نوکر فلان صراف استم بعد از آنکه چند قدمی باهم رفقه بودند مردی دیگر با آنها برخورد و بزبان این یکی  
تکلم نموده و گفته بود که من وجه طلا دارم و میخواهم با برات دولتی عوض کنیم رفیق ثانی کفته بود من ندارم و  
رو بنوکر صرف کرده کفته بود تو که واری عوض کن و هر دو امر کرده بودند تا راضی شده برات نموده  
و طلا گرفته بود بعد از آنکه بمنزل برده در آنجا واری کرده دیده بود که آن پولها کلا سکه خارج ضراحت  
و مس خالص است که مطلقا کرده اند ) ( دیگر نوشته اند که در فرانس سالستان ریاضت و سختی  
شده و برف بسیار آمده بود و باین سبب گرگ بسیار از جنگلهای بیرون آمده درو باها دیبا کشته  
و خرابی و اذیت با یاد بسیار سنده بودند از جمله در یکجا مرد جوانی شب بمنزل خود میرفته است گرگی  
در عقب او کمین کرده بود از اتفاقات آن شخص بزین خورده بود فوراً گرگ بر روی او حسیه و او را  
چنگال در آورده کرد و شش را میچسباند و خون او را با تمام کمید و او را با کس کرده بود و این گرگ  
یک جنبی مستند که در آن ولایت بعضی ها یافت میشوند و بخوردن لحم مطلقا میل ندارد از انسان و حیوان  
بچنگان بیاید خون او را می مکند و گوش را میخورد

۲۱۱۷

### سایر ولایات

فارس از قرار یک دور و نیمه شیراز نوشته اند امور آنجا از آنهاست کار که از آن دیوانی قرین است  
 و نواب امیرزاده و مقرب انخافان صاحب قوام الملک حاجی امیر در نظم امر ولایت و انجام خدمت دیوانی سی وانی و  
 کافی بعل می آورد با اینکه عا کر نصرت شرفی ایامه شمس متوالیا از آنجا عبور نموده و میمانند با سحر  
 غله و آذوقه از هر شهری نسبت به سایر ایامه دیگر در کمال فراوانی و ارزانی است بجز شکر بعضی سقط با که فی بعضی  
 وارد مابقی انجاس و مالکولات از هر قسم رزان و بسیار است از جمله کدوم جرواری دو تومان و جو خرواری یک تومان  
 و بزنج چپا یک من هفتصد دینار و بزنج شهری یک من هشتاد و گوشت و روغن و سایر حیوانات و مالکولات بسیار  
 نهایت و فوژ دارد و مالی آنجا ازین حرد شکر کدوری تمام دارند خصوصاً در این اوقات که بچه عبور و مرور کر منصفه  
 بازار داد و ستد کسبه و آف کرم بوده و مستفیع گردیده اند و از حسن سلوک لشکر فزوری اثر هم نهایت رسانند  
 داشته اند که هم در منازل عرض راه و هم در خود شیراز با نظم حساب راه رفته اند و هیچ جا خلایق  
 ناشی و صادر نشده است و مقرب انخافان هم برانیم لشکر لوسن باشی فارس در کار قورخانه و انجام امور لشکر  
 سایر خدمات مرجوعه بجز در وقت تمام بعل می آورد و همه روز عهده و آف قورخانه بستن یک و فتنک توک و آنجا  
 سایر آلات و ادوات جنگ میشوند و همین امور چا پارخانه های عرض راه را امیر الامراء العظام کشیکو باشی در اوقات  
 با ولایت نظم خوب داده اسبهای آنها را هم عوض نموده اسبهای جوان فربه را هم داده و در هر منزلی هم دو اسب  
 بر استماری زیاد نموده که در روز سیان از جنبار و مکانید و حکام بیسوجو جالت مستطلی شده است (دیگر از اردوی قشون  
 علیه و فارس نوشته اند که مقرب انخافان شجاع الملک تواب استیجاب بودند آذوقه پیوسته در تنک فترک و برار جان آوردند  
 و امیر الامراء العظام کشیکو باشی هم با عدت و حشام تمام با نجا وارد گردید لشکر فزوری اثر با استعداد و آسکی تمام آن  
 ساخت را فزود کرده اند و متوالی و متعاقب هم افواج قاهره و قشون سوار چون امطار که بهم پیوسته شش و سحر خا میوند  
 وارد اردوی ظفر گوه میشوند چنانچه از قشون اصفهانی که تازه گرفته شده بعد از حرکت امیر الامراء العظام کشیکو باشی از  
 شیراز قریب هفتصد نفر زنده وارد شیراز شده و از آن اردو گردیده اند و افواج قاهره نیز هم حق بار دو شده اند که در  
 مراغه که تازه وارد شیراز شده بوده اند و سه روزی در شهر بجهت انجام بعضی اسباب و لوازم سیراز قریب غایب است  
 سربازی در سفر حضور در میدان جنگ باید مسراه داشته باشد توقف داشته اند که تبه این خیریات را دیده بعد از  
 روزان اردوی برار جان شوند با بچه تا میتم ماه گذشته که در روزنامه شیراز نوشته اند قشون دولت علیه کمال  
 و آسکی و برار جان بوده اند و آذوقه و سیور است نیز از اطراف علی الفیالی بار دو می آمده است و مالی که میر است  
 در مقام خدمتگذاری بوده اند که صفیات و ارباب در ایالات جزئی تلاش داشته اند دست سربازان مدنی با نجا

۲۱۱۸

### اخبار دول خارج

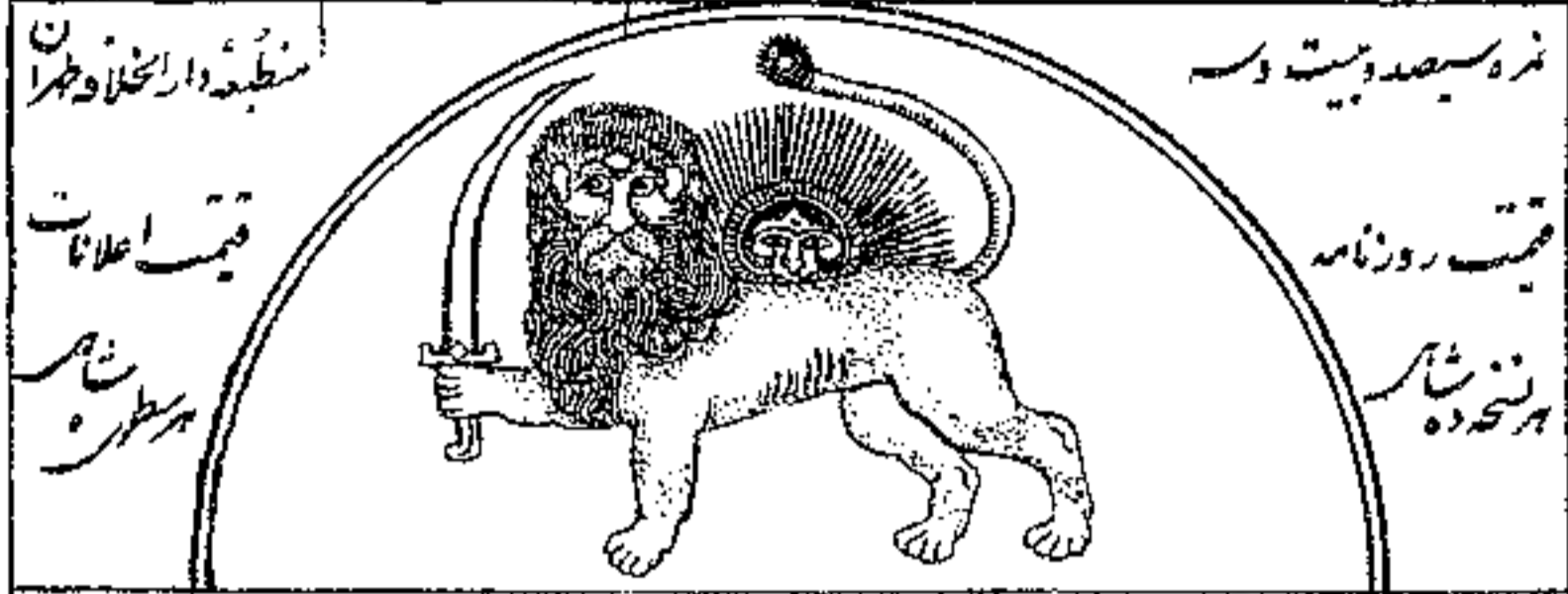
در روزنامه‌های سابق نوشته شده بود که سرپاماس ملت کولیک عیسوی را که در فرانس از جانب پای پای کر  
 پیشوای ملت بود در وقتی که با مل ملت و عظمی نمود پاماس یکرا و اناگاه با قمر زده و کشته بود قاتل راها نوقت گرفته  
 خواسته بودند قصاص نمایند در بین تحقیق احوال از مکالمات و چون استباط کرده قصاصش را تاخیر انداخته او را  
 نمودند بموجب روزنامه که بعد رسید مشارالیه عرض حال خود را با علی بن محمد امیر اطرف فرانس نموده است حاصل مصحح  
 اسناد و یو انکی من محض کذب فرستاد و این حرف را یک قتی قبول سخوام کرد و این کیفیت بذات امیر اطرفی عاید  
 شد و گذشته ازین بعضی کلمات دیگر نیز بیان کرده معلوم شده بود که دیوانه نیست و این حرکت او از روی جنون بود  
 لهذا حکم قصاص او شده قصاصش نمودند (در اسامبول اگر چه قیمت تماشاخانه‌ها و اراست ولی در این اوقات  
 بطور فرنگستان رواج یافته است از چند روزنامه ماه جمادی الثانی آنجا نوشته بودند که شبی مردم را اعلان کردند  
 تماشاخانه که در محله یک و غلی واقع است با تفرار که هر کس داخل تماشاخانه مزبور شود پنجاه قرش که تخمیناً یک تومان  
 پول این ولایت است بدهد و هر کس در محلی نشیند بجهت قرب و بعد از چهار تومان تا سه تومان و دو تومان آن  
 محل ششم بدهد و حاصل این وجوه را که جمع میشود قرار گذاشته اند که در اسامبول و بلاد طارث بفرای اهل اسلام و ایران  
 تقسیم نمایند) (از اسکندرون نوشته بودند که در پنجم شهر جمادی الثانی در آنجا طوفان بسیار شدیدی شده از شدت  
 تلاطم امواج بعضی کشتیها شکسته و غرق گردیده اند از جمله کشتی تجاری نخلیس که بعضی اشیا با کیری شده با  
 میرفت در سواحل لازفه سیاهی نشسته است و شکسته شده اشیا و امتعه او غرق و تلف گردیده و از آن کشتی مزبور  
 جو خیزی نبوده است که با حل سلامت بیرون آمد و باشند یازدهم چپس یک کشتی تجاری دولت بلژیک در آنجا  
 اسکندرون بود از شدت تلاطم امواج سیاهی افتاده است و هم در آن اوقات درین با در اسامبول شکسته  
 بر تبه که بعضی از دیوارها را خراب کرد رسیده بود ولی زیاده مضرتی نرسانده بود مگر اینکه از کشتیهای تجاری سه قطعه  
 که از رود طونه آتوقه بار کرده با اسامبول می آمدند در شای راه شکسته و غرق شده اند) (از دولت پروسی نوشته  
 که چون مخارج آند ولبیش از مال با تش شده است خصوصاً در مقدمه بروست با جمهوری ایوگره و اعلان حرب با آنها  
 که بعضی مخارج لازم مجبور گردیدند ازین اوقات بجهت اصلاح و تدارک این ضرورت در برلین با تحت سر و سینه  
 مجلسی بزرگ منعقد گردید و در آن مجلس گفتگو شد و قرار گذاشته اند که بعد ازین از هر کس که از راه این اوقات عبور می  
 و جیبی بگیرند و وجهی نیز از رسوم مغربی بعضی امورین کم نمایند و سنی هم از نفع قروض آند دولت تشریح نمایند تا جای این  
 (دیگر نوشته اند که کشتی شرع در سبل نام از دولت و سه بط بصره که کشتیهای این در آنجا هستند و  
 گردید و بی طرف بودن این کشتی در احوال حاضره مابین دولت علییه و ایس مقرر شده است

۲۱۱۹

در روزنامه ای چند وقت پیش این نوشته بودند که شهر کوپن ماکن که متعلق حکومت دولت دینمارک است حکامات  
 سمت خشکی شهر مزبور بسیار مضبوط است ولی طرف دریا چندان استحکامی ندارد و همیشه اندک خطر از انطرف متوجه  
 چند وقت پیش ازین از جانب دولت دینمارک قرار کشیدن حصار بی سمت دریای آن شهر شده و بجهت این مطلب  
 مجلسی منعقد کرده و مخارج کشیدن این حصار را بیت و دو هزار لیان ریال برآورد کرده اند (دیگر نوشته اند  
 که بجنگار کردن از بوجه بیک بحال معلومه سابقاً بخت بدیست و شش قطعه کشتی بخار که هر یک هزار و پانصد خوراک  
 یک قوسمانه در لفظ بوزع پای تخت دولت روسیه شکل یافته و قرار شده بود که تا مدت عوامه احتتام یابد در این اوقات  
 در یکی دینا تیرس قطعه کشتی دولت روسیه قرار شده است که بجهت قوسمانه مزبور سازند (سابقاً در روزنامه نوشته  
 شده بود که در هر دو سبت و پنجاه و پنج سال یکبار ستاره دنباله دار طلوع می کند بعضی از منجمین فرنگستان در سال  
 طلوع ستاره مزبوره را حکم کرده بودند قول آنهاست بنامه و طلوع نکرد بعضی دیگر در عین سال ظهور آورده اند که  
 بعضی از اهل نجوم هم معاینه این صورت را حکم کرده بجهت استخراج صورت حقیقت و حکم صحیح این کیفیت که چه وقت طلوع  
 کرده و ظهور خواهد یافت در این اوقات در بزم مجلسی از اجزای منجمین ترتیب داده شده است) (در روزنامه  
 سابق نوشته شده بود که جناب غانده و قنطنین برادر بزرگ اعلیحضرت امپراطور روسیه که دکیل سحریه است عزیمت دیدن  
 والده اش که در رومیه است از راه پاریس داشته است بقراریکه در روزنامه های این اوقات نوشته اند جناب  
 مشارالیه از راه رومیه رفته است و اراده داشته است که در مراجعت از راه پاریس بیاید و کشتی ساز خایه  
 فرانس را تماشا ننوده و دیده باشد و درین باب اعلیحضرت امپراطور فرانس اظهار موافقت نموده و بخواهد مشارالیه نیز سزا  
 اخبار و اعلان کرده اند و نیز بقراریکه در روزنامه های نویسنده خود اعلیحضرت امپراطور روسیه نیز اراده داشته است  
 درین نزدیکیها بجهت دیدن والده اش بسمت رومیه عزیمت نماید) (در روزنامه های سابق نوشته شده بود که حدی  
 قبل ازین جناب جلالت آلب والی و الا ان مصر بجز سیاحت و انتظام صحنی سمت سودان عزیمت نموده است بقراریکه  
 در روزنامه های این اوقات نوشته اند جناب معنی الیه در اوایل ماه حجب ببلده خرطوم رسیده و اراده داشته است که  
 از آنجا هم قدری بالاتر رفته و بعد از بیت روم معاودت نماید) (بمالک قوسین چین نام که درجه جنوبی چین واقع  
 و عادی پانزده ملیان است که سی کرور بوده است از دولت فرانس بجا بجهت پیدا نمودن مناسبات در وابط تجاری  
 ناموری مخصوص باد و قطعه کشتی بشهر طوران بام که متعلق حکومت آنولایت و در ساحل آنجا واقع است ارسال شده بود چند وقت  
 پیش ازین آنجا رسیده و در حکومت محلیه بسیار کفایت نموده بودند آنها نیز اظهار موافقت کرده ولی فقط تنظیم معاهد نامه  
 در آنجا قبول کرده بود از جانب دولت فرانس باز امر شده و تماشایی کرده بودند از کشتیهای فرانس برون مملکت شروع بانداختن  
 بازارهای چین را که نمودن کشتیهای فرانس قشون بی پروان آورده بای مجاری بر گذارند و وقت ملاعج تنظیم معاهد نامه و اقامت مأمورین در آنجا

۲۱۲۰

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج یوم ششمین روز شهر شعبان المعظم مطابق سال ۱۲۷۳



نمره سید بیت و...

منطقه دار الخلاء طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه شش ماه

هر سطره

اخبار واحد ملک محروسه پادشاهی

دار الخلاء طهران

چون در این روزها هوای شمشیرانات بسیار خوب با قضای فصلی شهر از شهر دار الخلاء مطلوب است نظر  
 و خرمی قصر قاجار که درین اوان اوایل بهار بعد است آنهار و طراوت اشجار و شکوفه انار و حضرت و غیره  
 و جو بیار ارسته است اعلی حضرت اقدس هیایون شاهنشاهی اید الله غایت غایت چند روزه وقت و تفریح در  
 فرموده در روز یکشنبه نهم از ارک مبارک که سوار شده تشریف با بنجا بردند و در وقت تشریف فغانی سواره قرا  
 پایاق که از آذربایجان بدر بار جهاندار آمده بودند درک راه صفت کشیده از نظر همه ارخصه و انی که شدند  
 همه جوانان زنده خوب ارسته شکل که بعضی بازوه و کلاه خود بودند با اسب و اسب شایسته بنظر اقدس هیایون  
 آمدند مورد تحسین و التفات طوکانه گردیدند (نیمه شعبان المعظم که روز ولادت با سعادت حضرت صاحب العصر  
 و الزمان قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است چون قرار و قوام عالم و عالمیان بجا است خداوندی جل شان  
 منوط بوجود مبارک آنحضرت شد لهذا کار اعلی حضرت اقدس هیایون شاهنشاهی و امت شوکت روز فرورد  
 مزبور از اسال و ما بعد عید اعظم ملتی قرار دادند و مقرز فرمودند که مثل سایر اعیان و عظیمه لوازم آن  
 ارشادینک تپ و انعقاد سلام بزرگ در پیشگاه هیایون و ادای خطبه و تشریف قصیده و غیره کلاماً عادت  
 شود چنانکه لوازم عید مولد معبود حضرت امیر المؤمنین علیه و آله الاف التحیه و سلام را در سبزه حضرت  
 همه ساله بعمل می آورند و چون روز را چند سال است که عید اعظم قرار داده اند (رای اقدس هیایون سرکار  
 قوی شوکت شاهنشاهی خلد الله لکم و سلطانه بر این قرار گرفته که بعد ازین هر کس از انالی و لایات محروسه پادشاهی

۲۱۲۱

اعم از علما و سادات ذوی الاحترام و امر و خوانین و اعیان و اشراف طبقه نوکر و غیره خواسته باشند  
 با خانواده سلطنتی وصلت نمایند چون این امر موصلت نسبت بسیار موافق و صحتی ندارد در راجع بخانواده سلطنت  
 میباشد نباید احدی خود سر اقدام بر آن نماید بلکه باید ابتدا مرتب با اطلاع رای صواب نمای جناب شرف  
 امجد صدر ام دام اجلاس برین بعد هرگاه جناب ایشان اذن و اجازه دادند و حالت آن شخص را مقتضی دانستند  
 اقدام نمایند و الا احترام و اجتناب کنند (در عهد شاه سپهر و حاجی سیف الدوله پسر مرحوم ظل سلطنت  
 بجهت خجانی که در خود سریع داشت از دارالخلافه فرار سجاک دولت علیه عثمانی رفقه مراحت خود از موطن  
 باطنیان اینجانب سفارت دولت انگلیس نمود شاه جنت مکان بنا بر اصرار والده ماجده و عجز و التماس  
 همیره خودشان که روجه نواب مشایرا است بموجب دستخط هایون توسط سفارت دولت انگلیس  
 عفو و اغراض تقصیر او را دادند نواب مشایرا مراحت بدار الخلافه نمود هر چه در عهد شاه جنت مکان بود  
 عهد محمد مورد غیبات آمد رفع و حث او نشده در مجالس و محافل پیوسته بزبان می آورد که اطمینان من سبحان  
 سفارت دولت انگلیس است درین وقت که کار دولتین ایران و انگلیس بقبال وجدال کشید اولیای دولت  
 علیه خلاف حزم و احتیاط هستند که چنان شخص بدکان در پای تخت خاصه در عمارت سلطانی که عبارت  
 از ک دارالخلافه باشد توقف نماید باستحضار جناب مسیوق قیوشا رز در دولت بهینه و نسبه طایفه  
 او شد نواب مشایرا هم در کمال خوشوقتی راضی بر حجت سجاک دولت علیه عثمانی گردید از آنجا یک با آنهمه  
 غیبات دو شاه رفقه بدکانی و حث او نشد و بدون اینکه در مدت توقف او در دارالخلافه طهران  
 بوعده که توسط سفارت دولت انگلیس با و داده شده بود خلافتی ظاهر کرد از دارالخلافه روانه صحیح و سالم  
 وارد خاک عثمانی شد اولیای دولت علیه حسب الامر بدکان اقدس شاهنشاهی اعلام رسمی این چند کلمه را اعلام  
 میداند که پس از آنکه نواب مشایرا را به سجاک دولت علیه عثمانی وارد شده بحالت اصلیه خود رجوع نمود درین  
 اگر بالفرض دستخط هایون شاه سپهر و اولیای دولت علیه را مکلف بکنینی میداشت اکنون بجای از آن تکلف  
 خارج و بری شدند و باینجهه این بعد هر نوع وعده را که شاه سپهر و در حق او بسفارت انگلیس نمود  
 بودکان کم یکن می پذیرند بعد ازین اگر نواب مشایرا بخواهد حجت بدار الخلافه نماید باید قرار و شروط  
 خود را بلا واسطه با ولیای دولت علیه بدو باطنیان فراسابق حرکت نماید (باقصای کمال الامور  
 و دوستی حاصله فیما بین دولتین ایران و روس حسن بجزارتی قاعده مستمره برقرار است که هر وقت  
 جائین تازه از جانب علیحضرت کیوان رفعت امپراطور دولت بهینه روستی بملکت قفقازیه مأمور شود  
 صاحب منصبی شانی بدربار دولت علیه فرستاده مأموریت خود را در ضمن در یوچه مخالفت و دیو باطن  
 سجاک

۲۱۲۲

حضور به منظور اعلی حضرت اقدس بایون شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطانة ابدع و اولیای دولت علیه را و بن  
 اکاهی و حضور میا زنده این اوقاتم که جناب جلالت و ایالت نصاب کنیاز بارگشی تازه سنجاشینی  
 اعلی حضرت امیر الطوری در مملکت قفقازیه منصوب گردیده اند عالیجاه محبت و نبالت استراجه کنیاز طیکوف  
 که از خبر الهای معروف و مشهور دولت روسیه و از خانوادہ نجیب معروف طایفه کرچی است با هفده نفر  
 صاحب منصب و متجاوز از نشت و هفتاد نفر سوار قراق و لکرتو از برای اجرای مقصود مذکور بدر بار دولت علیه  
 مأمور کرده اند در ورود خاک دولت علیه که ابتدای مملکت آن زیبا بجان نباشد المی دار اخلاقه الباهره در هر  
 شهر و بلدی موافق حکم و دستور العلی و لیبای دولت علیه کمال احترام و توقیر از استقبال مشایف و دید و بازدید  
 و تعیین جای مکان شایسته مبذول افتاد و روز ورود در آن مملکت از مقامات محترم خان سغلی خان سرتیب کرویسی از  
 جانب سنی ایوان بایون و عالیجاه مجد مشیر امیر زاشقیع سرشته دار در جناب جلالت نایب شرف امجد  
 ارفع صدر عظمی افرم از طرف ایشان و عالیجاه مقرب المصطفی علیه میرزا عبدالوهاب نایب دوم وزارت امور خارجه  
 از جانب جناب فحمت نایب وزیر امور خارجه و عالیجاه کلانتر و کتفونیز باشی با یکصد نفر غلام نظام و غیر نظام و سایر  
 امیر اخور پادشاهی اسپان برافق طلا برای سواری مشارالیه و دیگر تا فریه طرشت که جاور و شیرینی و چای  
 و قهوه و عنیان از برای اندک توقفت و استراحت عالیجاه مأمور مشارالیه و تالیقی مستقبلین با آنها از طرف  
 دیوان بایون اعلی قبل از وقت حاضر و موجود شده بود و رفته بایشان وارد عمارت وسیع عالی که در  
 شهر از برای آنها از جانب دیوان معین شده بود گردیدند و مقرب انخاقان میرزا تقی مستوفی و میرزا زین العابدین  
 مستوفی و میرزا عباس خان منشی وزارت امور خارجه حکم بایون قبل از وقت در منزل فرود حاضر شده و چون  
 پذیرائی شایسته بعل آوردند و شب اول در و در مقرب انخاقان حاجی علی خان حاجب الدوله که شغل شیرین  
 محول و ترجوع باوست و اسباب احترام و استراحت و آسایش مأمور مشارالیه را که در طرشت او از جانب دیوان  
 بایون اعلی حاضر و موجود کرده بود معانی شایسته بطور و طرز فرکی کرده جناب لاقونگی شارژ و فر و سایر  
 صاحب منصبان سفارت روسیه کلاً با مأمور مشارالیه و صاحب منصبان او حاضر و از برای توقیر و احترام  
 ایشان عمده الامراء العظام مقرب انخاقان عباس علی خان سیف الملک و مقرب انخاقان حسین خان نظام الدوله  
 و حاجب الدوله و میرزا عباس خان نیز حاضر شده در کمال مودت و دوستی و حصول استراحت کمال  
 مأمور مشارالیه مجلس با آنها رسیده شرفیابی حضور بایون و مذاقات با اولیای دولت علیه در روزنامه  
 بعد مندرج خواهد گردید (عالیجاه عبدعسین خان غلام منشی بیست خزانه دار انصاف که بجا پاری بدر بار  
 معدلت مدار آمده بود این روز نماز جا کپای بایون نخست انصراف حاصل کرده روز سه شنبه ماه

۲۱۲۳



روان اصفهان گردید و یکسوی جنبه نرمه کمرانی برسم خلت برای مزید افتخار و جنت و غایتش (عالیجاه)  
 حاجی میرزا حسین نمیز که بتصدی قنات خالصجات اصفهان و تبدیل پاره بلوکات نامور اصفهان بود مرخصی  
 کرده عالیجاه عبدالحسین خان روانه گردید (درین روزنامه‌های نامی وزدی کرده بود متوسط عالیجاه محمدرضاخان  
 کلانتر دستگیر شده بحضور نواب مستطاب بنزاده والایبارار دیشیر میرزا حکمران دارالخلافه طهران آورد  
 حسب الحکم نواب معزی الیه برود کوشش او را قطع نموده و چهار کرده در بار باره کرده انده اخراج بلینمودند  
**سایر ولایات** (کلیایکان از قراریکه در روزنامه کلیایکان نوشته اند عالیجاه  
 محمد ابراهیم خان حاکم آنجا در نظم ولایت و رفاه و آسودگی رعایا و قطع و تسخیر اشهر اردو انجام دادند  
 دیوانی نهایت مراقبت و اهتمام را بعل می آورد و مالی و رعایای آنجا آسوده خاطر بدعا کوفی ذاتی است  
 بایون شاهی اشتغال دارند درین سال چون از اول پانزده تا او اخر جمادی الثانی مطلقا بارندگی  
 نشد و جنس در آن ولایت تغییر بسیار کرده کران و کم باب شده بود بطوریکه جزواری میت و شت هزار و  
 تومان رسید و معتدب انخافان محمد ابراهیم خان از خود و از هر جای دیگر که غله سریع داشت فرستاده آورد  
 بجزارتان و سایرین میداد تا اینکه از تقضات الهی از غره ماه جمادی الثانی الی بیت روزیاریه رسید که  
 فرادان شده و هو بسیار سرد شد حتی بطوریکه تا چند روز راه عبور و مرور از راهات و قصبات بسته بود  
 بعد از آن هوا ظایم گردید و بجهت حاصل امیده واری کلی بهم رسید جنس تنزل نموده گندم و جو فرادان و در آن  
 گردید و بالفعل هر چیزی در آن ولایت فرادان و ارزان است و بعد از آن بارندگی باز بارانهای  
 نافع که سبب ارزانی ولایت و اطمینان مردم است آمده و می آید و مالی و رعایا ازین مرحله کمال شکر گذران  
 دارند) (دیگر نوشته اند که ابراهیم بیک و محمد حسن نام و یک نفر دیگر از طبیبان آنها که نوکر نواب حاجی میرزا  
 پیاشند با هم متفق شده دکان خدا داد عطار بهبود را برید و ولایت تومان منجا و زار نقد و انجاس عطار  
 او را برده بودند بود و صاحب مال مراتب را بمرض عالیجاه محمد ابراهیم خان رسانده مشار الیه داروغه  
 کاشمکان بازار را خواسته التزام گرفت که تا ده روز زود مال را پیدا نمایند الا از عهد اموال سرور  
 برآیند و آقا کوکب بیک فرزند شاهی حاکم نیز متعهد بدست آوردن سارقین و پیدا کردن اموال سرور  
 شده در مقام تفحص تجسس برآید مشخص نمود که اموال سرور و بعینتها در خانه اشخاص مزبوره موجود است  
 چند نفر از علمای اعلام و محبتین ولایت را بان خانه برده اموال بودی را بیرون آورده بصاحبش تسلیم  
 و سارقین فرار کرده بدست رفتند فقط ده ارده تومان نقد از اموال سرور تلف کرده بودند که کن آنها  
 چند روزی دولت که فتنه که دوازده تومان را هم انجام کرده است

۲۱۲۴

### اخبار دول خارجه

در روزنامه های سابق نوشته بودند فقرائی که در فرانسه هستند در باستان بر طواری کاری برای خود پیدا می کنند و امر معاش خود را می گذرانند ولی در زمان حضرت می کنند درین باب از جانب اعلیحضرت امیراطور بجهت امر گذران آنها فراری داده شده بود در این اوقات بجهت تحقیق احوال این شخص و ترتیب سبب آیش آنها جناب قتل موسیورس و کلای فرانس از جانب اعلیحضرت امیراطور نامور شده است که تمامی مالک فرانس را گردش نماید و باین غنیمت از پاریس حرکت کرده است (در روزنامه سابق نوشته شده بود که اعلیحضرت امیراطور استریه بجهت سیاحت با ایالات وندیک لومباردی و یار قیامت بیای تحت و بند کرد در این اوقات غنیمت سیاحت مجاریستان را نمود و اند چون در روز و امیراطور لومباردی از جانب مالی آنجا در اجرای شکیک ترتیب سبب سراسر و تسامح و تقصیری ظاهر شد بود درین وقت که غنیمت مجاریستان نموده اند از برای اینکه این سفر مثل سفر اولی نباشد و مسامحه در اجرای لوازم احترامات چند نفر از اعیان مجاریستان بویته آمده اند که ما بین خودشان درین باب گفتگو کرده فراری داده باشند (نظر بحساب بعضی منجین در این اوقات ستاره دنباله دار ظاهر خواهد شد بجهت تصحیح اختلالی که در تعیین وقت ظهور آن از منجین ظاهر شد در دولت بلژیک مرکب از اعضای منجین انعقاد یافته بود که با ظهور کردن این ستاره درین وسعت کردن ضرر و بکوره زمین بطوریکه کل دنیا را زبرد بالاناید با فواید بعضی اصحاب مذاق افتاده درین باب گفتگو می کنند و حال اینکه طلوع کردن و طلوع کردن این ستاره بدرجه ثبوت نرسیده است و از لیکل مجلس منجین در بلژیک وقت طلوع این ستاره را بلا خلاف مشخص نماید و تصحیح علم نجوم است نه حکم کردن بر تاثیرات ستاره که چه بروز و ظهور خواهد کرد و در این باب از اهل مذاق اگر کسی بوسم خیالی بکند خود را گرفتار راجع کرده خواهد بود در فرانکستان طلوع این ستاره شهرت تمام کرده خیلی مردمان سبب مغز لورده خیال افتاده اند و با آنها ستاره مذکور در اول حیران آینه طلوع خواهد کرد و قیامت قیامت مقارن طلوع او خواهد بود و باین جهت اشخاص از کتب و کار خود دست کشیده بتامل احوال آینه مشغولند از جمله در فرانس در شهر لیون و ختری میخا بعد از انتشار شدن گذارش این ستاره گفته بود که عیش چهار روزه باین منی ارزو که سه خستیا کنم حالانکه آنچه لازم است عبادت خداوند یگانه است باین خیال از امر ترویج امتناع نموده شوهر او گفته بود که این گفتار ستاره کلاه کعب محض است و اصلی ندارد و من مبالغه مصارف کرده ام و ختر قبول ترویج نموده کارشان انجامیده و بجانب حکومت رفقه کیفیت ماجرار اقرار کردند از جانب حکومت نیز بی اصلی بودن طلوع ستاره مذکور و کذب افتادگی که درین باب در میان مردم است القاد و ختر نر زبور اصرار کرده بودند که بنا کت و رضا بد هر چو منکر

۲۱۲۵

اعتقادی او کرده بود که در طلوع ستاره مزبور قیامت قائم خواهد شد مطلقاً حرفت آنها را قبول ننمود آخر قرار داد  
که تا اول خیزان که وقت طلوع ستاره مزبور را میگوید از مزبور هیچ کماکان بماند و روز دوم خیزان که فردای روز  
قیامت باشد تیر و بیج اقدام کرده با تمام برسانند (و نیز مانند طلوع این ستاره در این اوقات در بعضی  
و نه نوشته اند که در جوار پاریس از یک عمارتی شخصی غورنی نام گو یا با یک کشتی هوایی که ترتیب داده است  
سجایر بر رفته و قائم مقام آنها را ملاقات کرده و پاریس معاودت نموده است اگر چه بعضی از ارباب نرسا بقا  
از این کشتیهای هوایی که بلون میمانند ساخته و بهوارفته اند و سحرکت باد بعضی جاها افتاده اند ولی باین طور که  
مانند کشتی سجا حرکت کند همچنین جای دور دست برود و معاودت کند که خراب نشود و با او را سجا می نزنند  
تا حال مسوع شده و امری محال و دعوی دروغ فینا بیج) (در اغلب و لاینهای فرنگستان خصوصاً در پاریس  
و ناپولی و روم و هند یک یک مفتحه پیش از پرینزرک هلبوی امانی آنجا تبدیل صورت و شکل خود که قرونال  
عیناً پیدا کرده صورتی بر روی خود می پوشند و کس آنجا از سحر کی و لعب و بازی که سجا طرش میرسد بظهور  
چنانچه در بیکس او غلی اسد اسول نیز بعضی اشخاص بقیاضه حال که بروی خود هم بلور کشیده بودند یک تخم مرغ کوچک  
بر سیمانهای درشت بسته و بدوش خود برداشته بودند و ازین قبیل جنی کارهای دیگر می کنند) (به موجب روزنامه  
فرنگیه که در این اوقات رسیده است در سبال بکر و زب پرینزرا نده امانی آنجا یک کا و بسیار بزرگ را پیش  
ملاکرت و اطرافش را با انواع زیئنها آراسته کرده در میان شهر کردش میدهند جمیع اهل پاریس مشتاق و صحت  
نام و در کوجا بجهت تماشای آن کا و از دهام می کنند و بعضی اشخاص با کمال احترام در رکاب کا و مزبور روانه  
و با جمیعت دسته از آسته تا ساعت کا و مزبور در هر جای پاریس میگردانند بعد از آن مستخرج برده با تنگ اکرام  
و بیج می کنند و چون که خوردن گوشت این کا و در میان خود نمیشی بزرگ میدانند اولاً پارچه از گوشت او بجهت  
امپراطور و امپراطریس زوج او و لیبرادوسوامی کنند و پارچه هم بجهت پادشاه نکلین و کلا و کبرای پاریس میفرستند  
بعضی را اعلالی و ادانی مملکت بقیمت اعلی تقسیم کرده و میزنند و این قانون فقط در پاریس معمول بود درین سال از فراد  
در روزنامه نوشته اند بحال سایر شهرها نیز سرایت کرده است) (چنانچه در هر محفل قمار بازی ممنوع است من القیم  
در مملکت نیست نیز قمار بازی با وجود اینکه در تحت ممنوعیت قیامت در این اوقات بعضی اشخاص هرزه در  
پارچه فتوه خانها و میخانها بازی میکرده اند مجدداً حکم شده است که از جانب حکومت استنجا شود در هر جا که قمار  
بازی بشود فی الحال از جانب کین ضابطه آنگونه جای شهید که رسد و دفا) (درین سال در محال تحت حکومت نکلین در امانی مملکت  
تعاودت درجه و ثروت مالیات که قیامت و اقل آن از یک نفره لیرا که بر آن شصت و نه هزار لیرا پول این لایت دریافت می کنند ولی بجهت  
سابقه بار و سبب لایتی چه مهم علاوه کرده بودند در این اوقات باز تفریل داده بقرار سابق رجوع نمودند

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه یازدهم شعبان ۱۲۷۳

منطقه دارالخلافه طهران

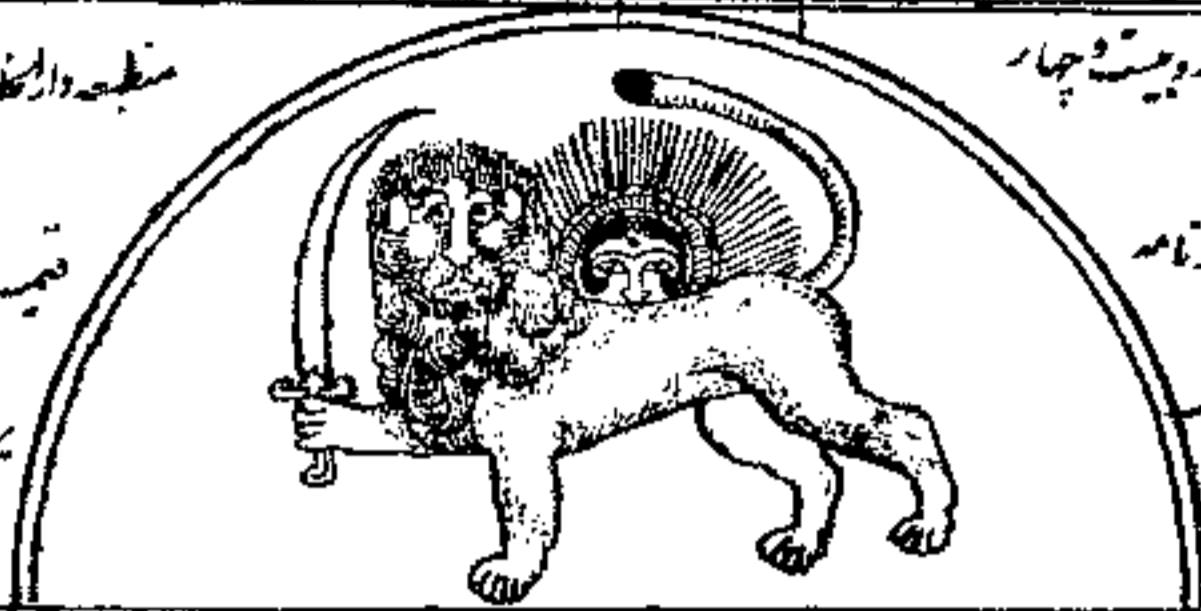
عدد سعید و بیست و چهار

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

برای هر شماره

پنج شاهی



### اخبار و چند مالک محروسه پادشاهی

#### دارالخلافه طهران

در این اوقات که اعلیحضرت آقدس عالیجناب شاهنشاهی در قصر قاجار تشریف داشتند بر وجود فایض ایجاب مبارک بسیار خوش گذشتند در شب شنبه که شب نیمه شعبان و عید مولود مسعود حضرت صاحب العصر و الزمان قایم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم بود جمعی از خواص شاهزادگان عظام و مقربان دربار سپهر ام شرفیاب حضرت مبارک بودند سبب جشن و شکر و شکر و حضور تالیون فرم هم آورده آن شب را پیش و شادمانی بسر بردند و فرموده ای آن شب که روز عید مولود مسعود بود و مانند عید عظیم در میان عمارت قصر قاجار چنانچه در روزنامه مکتوبه نوشته شد سلام عید ملی العباد یا و آسمانی دولت علییه و شاهزادگان عظام و سران و صاحب منصبان نظام و خوانین و ارباب قلم و سایر خدمت چشم هر یک در مرتبه و مقام خود ایستاده اجرای شکر و سپاس و زینب و ارادای خلبه و قصیده بقاعده معموله گردیدند و در وقت شب عید و عید مبارک حضرت صاحب الزمان عجل الله فرجه شکر شد و سرکار اعلیحضرت آقدس عالیجناب شاهنشاهی جناب شرف المجد رفیع صدر اعظم را مخاطب بخطبات رحمت آمیز فرموده فضلی از خوبی هواد زینت صفای قصر قاجار و برود و فرموده سلام در کمال سکوه و شایستگی انضباط و چنانچه نوشته شده این عید سعید بعد ازین باشد الله تعالی الی قیام العالم صلوات الله و سلامه علیه هر سال درین دولت علیه متداول خواهد بود و سال دیگر بهتر ازین سال گرفته خواهد شد و چون امسال بسایر مالک محروسه پادشاهی این فقره اخبار نشده بود در سالهای دیگر در کل مالک محروسه بگرفتن عید سعید مانند سایر عیاد معظّمه با کمال احترام اقدام خواهند نمود (در روز شنبه و شنبه بعد هم این ماه سرکار اعلیحضرت آقدس عالیجناب شاهنشاهی از قصر قاجار عزیمت ارک مبارکه دارالخلافه فرموده از دروازه دولت مبارک مبارک سلطانی و مشرف عظیم رشوکت و ابلاال بر دل فرمودند) (گذارش پذیرائی و احترامات در روز و در عیاد عیاد است)

همه اجزای ملکوتی و سایر صاحب مضبان فرستادگان جناب جلالت و امارت لسان جانشین فقها ریزه در روز  
 پنجم گذشته نوشته شده است روز دوم درود ایشان بدو انجمن عالی بهر مقرب الحضره عبدالعلی خان اویس الملک  
 پیشخدمت خاص از جانب سنی بجا آمدند پس با یون شاهنشاهی و امت شوکت بنزل ایشان رفته اطاق نفیسات  
 و الطاف خاطر اقدس ملوکانه را بعل آورد و از طرف جناب شرف ارفع امجد صدر اعظم عالیجاه محبت میرا  
 میرزا شیخ سرشته دارد فرقی بمنتظم الیه بنزل ایشان رفته لازمه احوال پرسی و در بانی را باها پخت و از طرف  
 جناب فحاش لصاب وزیر امور خارجه نیز عالیجاه فسیحی بجا به میرزا محمد ششی خاصه وزارت امور خارجه ملاقات  
 و لوازم مودت و محبت را انجا نمود چون در اوقات درود ایشان سرکار علیحضرت اقدس بایون شاهنشاهی  
 که سلطان تشریف فرمای قصر قاجار شده بودند و در مقدم شهر شهبان معظم تشریف فرمای دارالخلافه  
 لند در روز بیستم ماه ربیع الثانی در شرفیانی عالیجاه معزی الیه و سایر امان و حضور لامع الشور بایون داده شد  
 مقرب الحضره العلیه محمد حسن خان نایب لشکر آقاسی باشی بابت نفوسش و دو نفر شاطره و نجف بی اول و دو نفر  
 نایب یکی نایب فرشتخانه مبارکه و دیگر نایب شاطره باشی بایک رس اسب براق مرصع بنزل معزی الیه رفته حضور  
 مبارک اقدس علی دعوت کرد و برای هر یک از صاحب مضبان و فرستادگان ایشان خاصه از اصطفیایان  
 شاهنشاهی و ستاده شده هنگام عبور معزی الیه از دروازه ارک و میدان ارک سر بازان و توپچیان و اول که  
 در هر جا استاده بودند احترامات عسکریه را بعل آوردند معزی الیه و صاحب مضبان دیگر اول بنزل صدارت  
 جناب شرف ارفع امجد صدر اعظم دولت علیه را ملاقات کردند و سلام مودت مواضد جناب جانشین را  
 دادند و لوازم زلفت و اکرام از جانب جناب معظم الیه نسبت به عالیجاه جزال کنیا زلیکوف و هر یک از  
 صاحب مضبان بعل آمد و از ناموریت ایشان بدو بار دولت علیه از جانب جناب امارت و ایالت لصاب جانشین  
 فقها ریزه که محض از راه کمال اتحاد و موالات و دوستی بود انجا کمال خرمی و خوشحالی نمودند بعد از جانب سنی بجا  
 ملوکانه احضار و اجازت شده شرفیاب حضور بایون شدند مقرب الحضره العلیه محمد حسن خان نایب لشکر آقاسی  
 باشی معزی الیه را با صاحب مضبان ایشان تشریف و نظمی که مقرر بود به پیشگاه حضور مبارک برده شرفیاب شدند  
 در حین که از شاهزادگان عظام و سایر چاکران دربار بایون سلام خاصی در حضور لامع الشور منعقد شده بود  
 عالیجاه معزی الیه ناموریت خود را بر پیشگاه اقدس بایون عرضه داشت و سرکار علیحضرت شاهنشاهی الطاف  
 ملوکانه در حق ایشان مبذول فرمودند و عالیجاه معزی الیه در نیز جناب جلالت لصاب جانشین فقها را حضور بایون  
 عرض کرد و در حسب اشاره علیه سرکار علیحضرت شاهنشاهی جناب وزیر امور خارجه با احترام از دست معزی الیه کوفه  
 بر پیشگاه بایون عرضه داشت و عالیجاه معزی الیه هر یک از صاحب مضبان را حضور بایون معرفی نمود و نسبت

۲۱۲۸

با نماند تو جهات نامه شد و سر علی حضرت شاهنشاهی فرمایشاتی با الفاظ در باره نمودند که راجع با تاجا دوستی  
 و ولایتین و شمول رفت خاص ملوکا نسبت بجناب جلالت آب جانشین فقار زید بود و بعد از مرخصی از  
 حضور جایون با بیان اجزا و ترسی که شرفیاشه بودند مراجعت کرده خدمت نواب مستطاب شرفی  
 شاه بزاده و الایثار عظیم محترم امیر کبیر نظام با ختام رفتند و از آنجا بعد از آنکه لوازم حرام به عمل آمد بخدمت  
 نواب مستطاب شاهزاده و الایثار عظیم الفخیم مظفر الدین میرزا رقم مرسم تو قریبست ایشان در آنجا نیز  
 رعایت شد و بعد از انقضای مجلس با همان ترتیب و نظم بمنزل خودشان مراجعت کردند (عمده الامراء العظام)  
 مقرب انخافان حقیقینان ایلیانی بکلیسکی سز باد که با سواره ترکمانیه و او طلب خدمت شد و بر کاب هایون  
 آمد و بود این اوقات که خبر مصالحه دولت عثمانی بران و کلیس با مغراف رسیده بود و اولیای دولت  
 علیه در ماموریت آنها دستی نگاه داشته بودند تا آنکه صورتی عهدنامه که فیما بین جناب مقرب انخافان خانی  
 این الملک سفیر کبیر دولت علیه و جناب محبت نصیب ضری رچار و چارلس بارون کادلی سفیر کبیر  
 و مختار کلیس در پاریس انعقاد یافته بود و مصحوبی عالیجاه زمین خان سرتیپ و نایب اول سفارت  
 لهذا ماموریت آنها را لازم ندیده از جانب سنی انجوانب با تمام و خلعت سرفراز و مرخص گردید (عالیجاه)  
 عمده الامراء العظام سردار علیخان حاکم سیستان که بخدمت عتبه بوسی دربار فلک مدار علی حضرت شاهنشاهی  
 خلد اندک و سلطانه آمد و وارد شده شرفیاب حضور مظهر نورهایون گردید و بشمول حرم شاهنشاهی  
 سرفراز شد (جناب مقرب انخافان این الملک فرج خان ایلی کبیر دولت علیه مامور در بار دولت عثمانیه  
 بعد از آنکه وارد پاریس گردید در باب امور دایره فیما بین دولت علیه و دولت عثمانیه کلیس این جناب  
 چارلس بارون کادلی ایلی کبیر دولت انگلیس حکم و دستور العلی دولتین بنای مر او ده و مکانه شده چون  
 طریقین زیاده از حد سابق و مایل تجدید مر او ده دولتین و اسحکام دوستی جا بنین بودند تا تاریخ منقلم  
 شهر رجب المرجب عهدنامه دولتین فیما بین و کلای جانین در پاریس سمت اختتام پذیرفت و عالیجاه  
 زمین خان نایب اول سفارت کبری بجاری با عهدنامه مبارکه وارد اسلامبول و از آنجا بکشی بخا  
 دولت عثمانیه کلیس که حسب حکم اولیای آن دولت بهینه مخصوصا معین و مقرر شده بود سوار شده روز  
 ۱۷ شهر شعبان العظیم بیت و شش روزه حوز را بدار انخلاقه الباهره رسانید و روز بیستم شهر شعبان العظیم  
 عهدنامه مبارکه با مضامین تصدیق علی حضرت امیر کبیر شاهنشاهی و خط و مهر اولیای دولت علیه رسیده  
 مصحوب عالیجاه جانیکر خان سرتیپ در بیستم شهر شعبان روانه بغداد شد که موافق نص صریح عهدنامه مبارکه  
 در بغداد و با وکلای آن دولت بهینه بدو و بجهت الله تعالی دوستی دولتین بحالت اولیه خود موجود و مودت بکلیه

۲۱۲۹

این دوستی است از دیاد پذیرفته نبیان آن با تمام اولیای دولین و نیشوکنین مستحکم و استوار خواهد گردید  
چند روز هم همانند از برای آوردن جناب سترموره از دربار گردون و قارمانور و روان خواهد شد (سازند)  
محمد یوسف بعد از آنکه بر خلاف منظور حکم اولیای دولت علیه بهرات رفت و بنای اغوی افغانه و دعوت است  
دوست محمد خان را بهرات گذاشت با قصای ملک سجای و جنات خودش گرفتار گردید و معتقد است  
او را در بارها یون آوردند سرکارها یون علیجهت ادس شایه ای از راه تفصل طوکا ز قلم غنوب مقصیر است  
جنانهای او کشیده از حقوق سلطنتی خودشان صرف نظر نمودند ولی سردار بیود خان و سردار مانور  
پسرهای مرحوم سید محمد خان و سردار محمد صدیق خان برادر مرحوم نرپور و سایر سرداران افغانه الگو زانی که  
بر کاب مبارک مشرف شدند بعضی خاکبای مبارک رسانیدند که شاهزاده محمد یوسف سید محمد خان را قتل  
رسانید و زنیهای مرحوم نرپور را چه در شش بی عدله شرعیه بجهت زور متصرف شد و آنچه را که خود تصرف کرد  
بنوکرای خود بخشید و بعضی از زنیهای شوهر دار زوسای افغانه بهرات را که شوهرهاشان حالانده اند و  
اندند آنها را هم بنوکرای خود بخشید استعدای احقاق حق شرعی خود را کردند چون مراعات عدل و انصاف  
و پیروی شرع و مشیبت از لوازم امور دین و دولت و شکار و این دست است بر حسب استعدای  
انها حکم بر تحقیق و رسیدگی شد اولاد مرحوم سید محمد خان شرعا و عرفا ثابت کردند که شاهزاده محمد یوسف  
قاتل مرحوم سید محمد خان است و حکم مطاع شرع لازم الاتباع قاتل میسایت بدست و دره مقبول است  
شود که بقصاص شرعی برسانند اولیای دولت علیه هر قدر خود استند اولیای مقبول را راضی نمایند که تن  
در داده خون لب شود و مبلغی از بابت ویر قتل با اولاد سید محمد خان از خود بدهند که از قتل شاهزاده محمد یوسف  
گذرند و چنانکه اولیای دولت علیه از حقوق دولتی خود گذشت نموده بودند آنها هم از قصاص بگذرند راضی شدند  
لا بد او را تسلیم با اولاد سید محمد خان کردند و آنها در عوض خون پشیمان او را بقصاص شرعی رسانیدند و  
مقتدر در سیزدهم شهر شعبان المعظم اوقاتی که موکبها یون در قصر قاجار نزول اجلال داشت واقع گردید  
سایر ولایات **کردستان** از تواریک در روزنامه کردستان نوشته اند امیران  
ولایت از حسن توجهات اولیای دولت علیه و اتهامات مرتب انجاقان والی کردستان قرین استقامت و انصاف  
و امالی آنجا آمده خاطر بدعا کونی دات اقدس سنهایون شایه ای خلد القه که و سلطان استغال دارند و کجا  
انولایت در اوایل منستان نجکی گذشته بارندگی شده بود و امالی آنجا از جهت زراعت قدری تسویش داشتند  
ولی از ابتدای دولتی آخر حوت چندان برف و باران آمد که اغلب طرق و شوارع مسدود شده بود و حاصل  
اطلاک و زراعت با بدن حاصل امیدواری کلی بهم رسانیدند و شاهد حاصل سال آنجا بسیار خوب است

۲۱۳۰

۵

و در سلطنت بهرات از قزاق که در روزنامه بهرات نوشته اند حسب الامر نواب مستطاب <sup>نواب</sup> هر او  
 حاکم سلطنت سلطان مراد میرزا حکمران مملکت خراسان از ارک نوشهر نسبت شمال برای آمدن خلق در  
 کشور و از اباب نصره نماید و درسی محکم که داشته تختی برای خندق قرار دادند و از سر بازان فرج  
 و دویم نصرت فر اول مستحقان در روز محبت گردید و همچنین از ارک فر لور در سمت شرقی که داخل  
 شهر می شود دروازه دیگر قرار دادند و جهت تعمیر بروج و بعضی عمارات و باسبناهای محکم خوب در ارک <sup>روز</sup>  
 بنا و عمل در کار رند افواج هراتی که تازه گرفته شده همه روز از صبح الی چهار ساعت از روز برآمده  
 در ارک مشغول مشق هستند و معلمها مراقبت تام بعمل می آورند و چون خود سربازان نورجینی مشق دارند  
 از قزاق که معتدین میگویند عنقریب افواج هراتی مثل افواج خوب دیگر ولایات حاکم محروسه با نظام  
 عالم بقون و آداب جنگ خوانند شد و دلیل بر زیادتی مشق آنها این است که اغلب این سرباز که تا  
 حالا گرفته شده است از بلوکا شمشیر و فرسخ و چهار فرسخ از شهر دورند هر روز بعد از فراغت از مشق  
 بهرات خود میروند و روز دیگر وقت طلوع آفتاب در ارک فر لور برای مشق حاضرند بجهت آسودگی آنها  
 نواب هراده معرفت داشته که لشکر نو زبان چیره آنها را معتین کرده عاید سازند که محتاج برفتن خانها  
 خود نباشند و ایام مشق را چیره گرفته در شهر بمانند و آنچه ازین سرباز جدید که سان دیده اند طبعی آنها  
 از کلیجه و شلوار و لچین داده اند (چون در سنواة سابق موجب قشون بهرات اعم از سواره یا پیاده  
 درست نمیرسید است بعضی محل های لا وصول داشته اند و برخی را امر کرده و صاحب مصبان خود  
 و میل نموده اند لهذا نواب هراده عالیجاه ملا اکرم خان ستونی علیجائی را استخویدار نظام فرموده خلعت  
 قسم القات نموده معرفت داشته که آنچه بخواه و موجب نوکری است تحویل او شود و سه ماه بهر ماه  
 دیوان اعلی عالیجاه مشارالیه باطلاع صاحب مصبان آنها برساند و معرفت فرمودند که مقرب سخا خان <sup>سخا خان</sup>  
 سخا خان ایلخانی مستوفیان و لشکر نو زبان بهرات نشاند و موجب نوکر از اجز و مالیات موضوع و معادل موا  
 سالیان آنها محسوسین و مباشرتین نمایند که بخواه آنها کلاً تحویل ملا اکرم خان شد و فقط تقبض برساند و این سخن  
 مزید امید واری عموم نوکر شده است (عالیجاه حاجی عطاء الله خان سپهر حرم حاجی خیر الله خان که برادر و نظیر  
 و در مقدمه برج مقبول شده بود حسب حکم نواب هراده سبجه مهاذاری فرستادگان ولات اطراف و سرداران <sup>کامل</sup>  
 و قندهار و دیگر کسان که بعضی بعنوان سفارت و برخی پناهی یافت و حجت اولیای دولت می آورند مقرر شده  
 و بخواه برای مخارج مهاجرت ابوالجمع مشارالیه فرموده اند که بلواری مهاذاری پروردگار فرستادگان تا پنج بیگ وانی <sup>قدر</sup>  
 و کبخی خان حاکم سابق تاشقورقان که با عارض ارات نیز خدمت نواب هراده بود درین وقت با جوب ایضاً نعام خود <sup>خود</sup>

۲۱۳۱



ازینجا

ما زنده ران از قراریکه در روزنامه مازندران نوشته اند امور آن ولایت از حسن توجهات اولیای دولت قاجار  
و انتظامات نواب لالعلف الله میرزا حکمران مازندران قریب انشام و نصیاط است در عیال و بر ایام آسوده خاطر و عاکوفی  
دات اقدس همایون شاهنشاهی خلد الله سلطانه استعجال دارند و سرعت و شجاعت بدو ت اگر اتفاق بقصد در  
مقام رفیع آن برمی آید عاجب میرزا شیخ که بر حسب حکم اولیای دولت علیه حکومت جلده باید فرودش معین شود بود  
نواب هزاره او را بیار و فرودش و ستاده و در حکومت آنجا استعجال داده اند و فکر و ملازم اشرف توابعی را  
نواب مغزی مالیه احضار نمودند ملازم اشرفی ابوالفتح علی میرزا یوسف خان سرکوب در سلج نامه رجب وارد  
ساری گردید و آن داده اند ولی سایر ملازم از کلبای جمعی علیجا ضیافتی خان و نوکرانش و غیره هنوز حاضر  
نشدند بودند در روز عید موثو و معهود جناب امیر المومنین علی ابن ابیطالب صلوات الله علیه و علی اولاده الطاهرین  
نواب هزاره بلوازم احترامات عید سعید پر خت شب عید را هر افغانی و شش بازمی نمودند و در روز عید مجلس سلام منعقد  
داشتند عالی و اعیان و اشرف انظار ای ذوی القربی الاحترام و خو این که ام مجلس حضور حاضر شده او ای  
و هم چنین در روز عید نوروز فریور سلطانی نیز بزم بسم جشن شادمانی بر دخت مجلس سلام منعقد شده او ای خطبه  
بنام اقدس همایون شاهنشاهی صان الله بام شوکه عن لیسای و احتشام بدعای و ام و از یاد دولت ای پدید  
سایر لوازم عید را بطور شایسته بجا آوردند (از قراریکه در ضمن روزنامه مازندران نوشته اند امسال ما  
در میان کاهای آن ولایت افتاده و در همه جای مازندران این ناخوشی بوده است خصوصاً در ارض و توابع که خیلی کاه  
این برضت شده اند احب رسول خارج از قراریکه در روزنامه های فرنگستان نوشته اند  
در این اوقات در شهر و اشرف و تدارک پذیرانی اعلیحضرت امیر الطور روس را امیدند که بنا بوده است شهر  
مرغور بروند) (و نیز نوشته اند که از جانب دولت روس جناب بارون برنوف با همی کری بدولت روس  
ناموشده بود در این اوقات وارد برلین پای تخت دولت روسیه گردیده است) (دیگر نوشته اند که  
امیر الطور دولت استریمس معقرین دولت خود را اعم از آنها که محسوس بوده اند با آنها که اخراج بلده شده  
بودند جنایات نمه آنها را عفو نموده و مرخص کرده است و اعلیحضرت امیر الطور روس نیز بنا دارند که معقرین  
دلت پولک را که بسیر دست داده اند تعصبات آنها را عفو نموده و مرخص نمایند) (دیگر نوشته اند که دولت  
روسیه در این اوقات اهتمام زیاد در نظم و ترقی امور تجارت و تحصیل علوم و فنون متسود دارد و نامورین متعدد  
بجهت تحصیل فنون صنایع بسیار دول و ستاده و در معورتی ممالک خود نیز اقدام وسیعی نمائند دارند) (دیگر  
نوشته اند که اعلیحضرت امیر الطور استریمس چنانچه سابقاً برادر خود جناب پرنس میملین قائم مقام و ندیک و لو مباردیا  
نموده بود در این اوقات عموی خود جناب رشدوق رنی بر را منصب رئیس الکلانی دولت استریمس داده است

۲۱۳۲

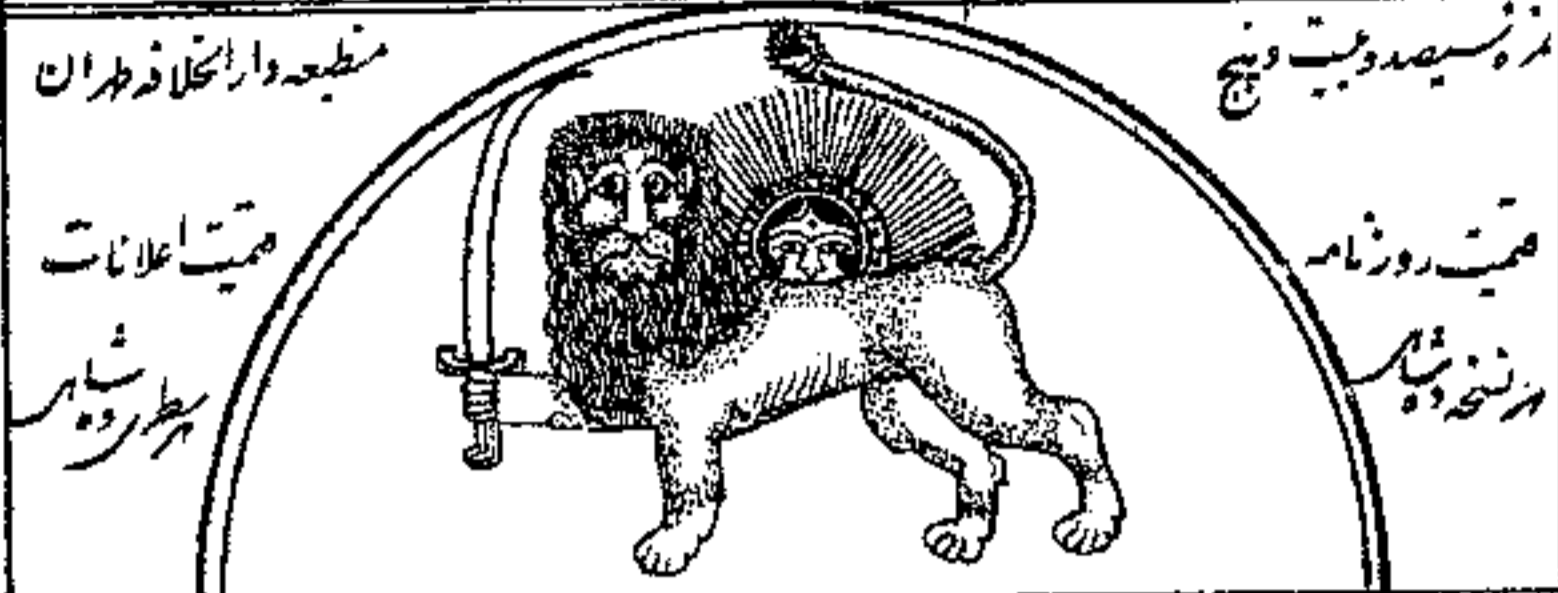
از قرار یک دور و زمانه فرانس نوشته اند در اول جمادی الثانی مجلس ملی و خوانین در پاریس مفتوح شد  
 اعلیحضرت امپراطور فرانس خود مجلس مزبور شریف فرما کرد و بدین سخن اختتام مسند فرموده اظهار شکر  
 نموده و تیرتات امپراطوری در مجلس مزبور ازینتر است در وقت نفس اول که عبارت از انعقاد مجلس  
 مصالحه است در نفاذ احکام مندرجه فیما بین دول بعضی مخالفت وقوع یافته بود در وقت نفس ثانی بحسب  
 اختتام یافته جای شکرانه و باطن ایشان است از جمله بروست باین دولت پرستیه و اسپیکر که بحسب  
 منجر شده بود بصبح انجامید و همچنین قشون انگلیس فرانس که بطور مجبوریت در یونان اقامت داشتند بحسب  
 نامی که در دول معلوم روی داد دیگر اقامت آن قشون در یونان لزومی نداشته از آنجا بروست شد  
 و تا پوبلی نیز که در حق مالی آنجا معاطه ظلمه که منافعی عدالت است اجراء شده بود در باب اندفاع آن  
 سابقا تبلیغاتی بدولت ناپولی شده سببه عدم نفاذ آن دولین نخلین فرانس قطع مجابره مجبور شدند  
 مقتضای تیر در آخر با صلاح انجامید در باب مالکی که در زیر حکومت دولت فرانس است مجبوریت آنها با  
 اتمام نمودن از مواد لازم است بعضی اوقات و قایمی که سعادت اندفاع آن از قوه بشریه خارج است مثل  
 و غلا و این قبیل مصائب که از حق ظهور میکند و فقر اگر قمار اضطرار میشود بحسب استحصال و اجرای تدابیر  
 باختن بعضی راههای این صرف نقدیه تمت نمودن از امور مهمات و بعضی اوقات در درون محکمت  
 با این قبیل قحط و غلا که ظهور میکند سببه مجبوریت قدیمه کثرت کارخانهها بجاهلات غلی و اردنی آید و رسال  
 گذشته با تقاضای رسوماتی که از بعضی شایسته تحصیل شده معذرات آن بهینجا بیان فراتر که ده کرد بحساب پول  
 ایران باشد رسیده و در مقابل آن کثرت فقر او را با اضطرارند اگر چه با آنها از جانب حکومت فراتر  
 اقامت شده است نظر بکثرت فقر افغانی که با آنها شده است چیزی قابل و کافی ششده نمی شود و در  
 حالت اضطرار آنها با علی مرتبه سعی و استقامت از نموده فریضه است و رسال گذشته بعضی مجال مالک فراتر  
 با زندگی سبیل خراب و غیر تو تسلیات ازین ریکذری اشخاص پریشان و بی سامان گردیدند درین  
 مجلس از فوند سبیل بقا در پاریس تکمیل یافته بعد ازین سببه استقاماتی که در مجلس مزبور قرار داده در هیچ  
 محکمت فرانس دیگر احتمال خرابی از سبیلان نیرود از مالی این ولایت پاره اشخاص بعضی او نام محله از  
 و جان خود اینت نوشتند بعضی اصحاب عقل و در این منصفیت پیدا آن اشخاص اقدام نمودند مقدما بنخواه  
 استراضی مصارف حرب مقابل شده اما درین سال واردات و مصارف دولت فرانس با هم مساوی می آید  
 تاکنون دولت فرانس در هر سال ششاد هزار کس مقرره بسکک کرده داخل میکند بعد ازین هر سال صد هزار کس  
 قشون خواهد نمود اگر چه در ایام حضرت در هر سال این مقدار قشون گرفتن لزوم ظاهر ندارد ولی چونکه از هر

۲۱۳۳

دو نفر دو سال در طریق عسکریه بوده بعد بقشون ردلف داخل می شود ازین فقره اصل مراد این است که  
 همیشه صد هزار کس در دولت فرانسه در زیر سلاح باشند در بعضی جاها اغلب کتاب و ارباب قلم در میان  
 خود و عیال و خانهای آنها از عدم کفایت و بیکاری متحمل مانده و چار فقره ضرورت میگرد و باین جهت  
 خیلی اختیار لقب و مشقت می کنند و پریشانی این اشخاص منافی شعار مروت و رحمت است لهذا آنچه امر  
 معاش این اشخاص و رفاه و سایش آنها در سالی از خزانه پنج ملیان فرانک که صد هزار تومان باشد مخصوص  
 کتاب اعطای شود بجهت مصارف محاربه سابق بعضی رسومات که مجدداً احداث شده بود بعد ازین موقوف شود  
 معصومین این دولت سابقاً بچکی از جهت خوبی یکی دنیا فنی و اخراج می شدند در اینجا بسبب ناخوشی که ظهور کرد اغلب  
 بهلاکت رسیدند بعد ازین اینکه از اصحاب جنایت بچکی دیگر باید طرد و اخراج شوند باجمعه این فقرات را اعلیحضرت  
 امیرالمؤمنین فرموده و اظهار تشکر کرده مجلس شورت منقضی کردید (کذا رش شهکاتان چین و مناد غه  
 مالی اینجا با انگلیس که قونسولخانه و محله تجار و مکتبان را آتش زدند و سر کرده کشتیهای بخلیس نیز کمرنگان  
 آتش را آتش زده بود در روزنامه های گذشته نوشته شده بود از فرار روزنامه که درین اوقات رسید  
 خبر این گزارش که پیکر پایی تخت چین رسید خاقان چین در باب خرابی کاتان که بسبب جنگ  
 طرفین بهر سیه بود اظهار تأسف و بنا نموده و قائم مقام کاتان و سایر مأمورین اینجا را برآورد  
 و تبدیل و بجهت دادن ترخیص و اصلاح حال مأمورین متعهد اینجا دستاورد است) (چند وقت پیش  
 در سار دینه طغلی مریض شد طبعی سببه معالجه او دوائی تربیب داده بود مریض بجز خوردن دو افرا در گذشت  
 اولیای او نیز طبیب رفته گفتگو کرده بودند طبیب مزبور گفته بود که فوت او بجهت اجل برعود بوده زلفت دوائی  
 و دوائی مریضی ندارد بجهت اینست مدعای خود قدری از ان دو اخودش خورده و قدری بد و اساز خود داده  
 بود بجز خوردن هر دو بصورت آن طفل زنده گیر او واع کرده اند از ان طبیبی دیگر بان دوا رسیدگی کرده  
 بودند معلوم شده بود که سهو استی از سموات بد و داخل کرده بوده است که سبب هلاکت آن طفل و خورد  
 و دوا سانش کردید) (در این اوقات در آلمانیا شخصی غنی نام که از ارباب ثروت بود است فوت شده دوست  
 کرده است که بعد از فوت او در ابا اجزای مستوفی بنجر کرده در محفظه حفظ نموده در سفره خانه او بکار بند  
 یکده در ان سفره خانه صنیافت بکنند و بجهت خرج این صنیافتها چس هزار تومان از اموال خود موضوع کرده است  
**اعلانات** در روز دوشنبه شب ششم اینا چهار ساعت بطور روزگور ماند در خانه عیاله بر بره حبس سواره غلام  
 نظام ابتدای هراج اسباب است کس میل باقیع و خرید سبب وارد در محله کوچه خریسان نزدیک خانه عیاله خواجه قراطاج باسی  
 عیاله بر بره حبس ایجا شود) (چندم عظمی در ازنی غیره ازین دستاورد اند هر کس لب با در بجهت عیاله عیاله بر بره و یکس

۲۱۳۴

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه بیستم شهریور سن ۱۲۷۳



### اخبار و چند ممالک محروسه پادشاهی

#### وزارت اصلاح طهران

پانچم قانون این دولت علیه است هرل دود فقهی دربار و یکی در پانز از اسبهای خاصه و صیقل جان و اسبهای دولت علیه و شاهزادگان عظام و خوانین بوقان گذشته و سرکار عالی حضرت شاهنشاهی دامت شوکه بجا شد میدان سب دوانی تشریف فرما کرد و در حضور مبارک چاکب سواران سب دوانی می کنند که در روز شنبه ۲۳ این ماه عمارت میدان مزبور را آرایش داده و چادرهای پوشش متعد نیز برای سفر او و اموری در دول متحابه زده و کبک های یون از ارک مبارک حرکت فرمودند در خروج از دروازه دولت و وسط راه دور و بهر ت اسب دوانی در وقت شکیک زنبورک تبار معمول شده و نظام حضرت فرجام از سواره و سه باز در معبر کبک های یون صف کشیده بودند بعد از ورود میدان سب دوانی که از انالی دارالاصلاح تیر ضحیر اکبر عالی و ادانی سجه زیارت وجود فایض نمودند و تماشای اسب دوانی از دهام تمام در اطراف میدان مزبور کرده بودند و اسبهای صیقل جان و اسبهای امرو خوانین برادسته بدسته ترتیب داده از جانب آفیس های یون بید قمانده و صوره های وجه نقد معمولی خوانچه از پارچه های نفیس سجه خلعت جلوداران و چاکب سواران علاوه بر وجه معمولی هرل که داشته بودند سه دسته اسب را چاکب سواران شروع تباختن نمودند دسته اول شش دوره که سافت هر دوره تخمیناً نیم فرسخ است سب دوانی نمودند و دسته دوم سه دوره و سیم و دو دوره و بید قمانده که با پول گذاشته بودند هر سبی که پیش آید چاکب سواران اسب وجه العالی را از سر بیدق برداشته و علاوه بر آن جلوداران و چاکب سواران با عطای پارچه های نفیس الوان و خلایع آفتاب شعاع سرفراز گردیدند بعد از انقضای تماشای اسب دوانی بهمان ترتیب در اول حرکت و وسط راه و ورود مبارک مبارک شکیک زنبورک شده مبارک که سلطانی و منقر عظمی و ل

اعمال فرمودند

اصحاح است

۲۱۳۵

از اینجا که توقیر و احترام جانب علای اعلام و مجتهدین ذوی القرب والاحترام کرام الله تعالی علیهم اجمعین منظور خاطر اقدس شاهنشاهی  
 خلد الله ملک و سلطاناً پیشه و بهر لاجد از عید رسم باز دید و اظهار تفقدات لوگانه را از آنها بعمل می آورند لهذا در روز  
 یکشنبه اول آنجا پسر و برادر مرحوم امام محمد و بعد از آن نجای جناب فضایل آتاب عمده العلی العظام آقا شیخ رضا و بعد از  
 نجای جناب مجتهد العصر و الزمان حاجی آقا علی تشریف فرما گردیده اظهار کمال عطف و در حق هر یک از آنها فرموده  
 سلطانی معادرت فرمودند و روز دوشنبه نیز به بدین جناب مجتهد العصر و الزمان حاجی ملا میرزا محمد زانی و خان پسر  
 آقا محمود تشریف فرما گردیده لوازم توقیر و کریم از آنها بطور شایسته عمل آورده و مرخصی معظمتی (نظر  
 بر طاعت و دو قدم رسم و اشفاق خاطر اقدس شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطاناً در حق جناب  
 مستطاب شرف اجداد رفیع صدر اعظم فخرم در روز سه شنبه نجای ایشان تشریف فرما گردیده از جانب صدر  
 و جناب قجاق نصاب نظام الملک نایب صدرت عظمی لوازم قربانی و پادشاهی پیشکش تقدیم شده و از سایر مستحقان و  
 اهل بیتان ایشان نیز رسم پیشکش و خدمتگذاری بعمل آمده و در تذکره اسباب صیانت کمال حدت گذارید و بعد از آن در روز  
 فایض آنچه مبارک بسیار خوش گذشته بنا را در آنجا صرف فرموده و بعد از صرف بنا را عصر در آنجا استه فرموده  
 و بعد از صرف عصرانه و چای مبارک که سلطانی راحت فرمودند (چون عالیجا به مقرب انخانان آقا اسمعیل مسجد  
 سلام از قدیمی خدمت گذاران این دولت جاوید مدت طلبه و باداب و رسوم خدمات حضور مبارک بطور شایسته تقدیم  
 مراتب صداقت و خدمتگذاری او مستحسن و مقبول خاطر اقدس شاهنشاهی افتاده لهذا در این اوقات با عطفی  
 یک قطعه نشان شیر و خورشید از مرتبه اول سرسنگی با کبرشته نمایان سفید قرین افکار و مباحثات) (نظر بطور خدمتگذاری  
 و شایستگی عالیجاه علی محمد بیگ یا در فوج و دادندی درین اوقات بموجب فرمان در لجان مبارک منصب سرسنگی و  
 خطاب خانی سرافراز و یک قطعه شال کرمانی اعلی در حق او برسم صنعت حجت گردید) (چون در ایلی نام مبارک  
 رمضان وقت مهاک از اکل و شرب و طلوع صبح تنجید بعضی اشخاص نامعلوم است و احیاناً تا مؤذن دیر بار و اذان  
 سجد نشین آن که هر کس به اندر منجین از غره ماه مبارک رمضان الی بیت و نهم ماه فرورد وقت طلوع صبح را تفریق مستطاب  
 ذیل مشخص کرده اند و در روزنامه نوشته میشود که در ساعت غروب اعتبار نمایند

۲۱۳۶

سه شنبه	۲	ساعت	۵	دقیقه
دوشنبه	۲	ساعت	۷	دقیقه
یکشنبه	۲	ساعت	۸	دقیقه
دوشنبه	۲	ساعت	۹	دقیقه
یکشنبه	۲	ساعت	۱۱	دقیقه
دوشنبه	۲	ساعت	۱۲	دقیقه

چهارشنبه ۱۱	۳ ساعت	۱۴ دقیقه	شنبه ۲۱	۳ ساعت	۳۴ دقیقه
پنجشنبه ۱۲	۳	۱۵	یکشنبه ۲۲	۳	۳۵
جمعه ۱۳	۳	۱۸	دوشنبه ۲۳	۳	۳۷
شنبه ۱۴	۳	۲۱	سه شنبه ۲۴	۳	۳۹
یکشنبه ۱۵	۳	۲۳	چهارشنبه ۲۵	۳	۴۲
دوشنبه ۱۶	۳	۲۶	پنجشنبه ۲۶	۳	۴۴
سه شنبه ۱۷	۳	۲۷	جمعه ۲۷	۳	۴۶
چهارشنبه ۱۸	۳	۲۸	شنبه ۲۸	۳	۴۹
پنجشنبه ۱۹	۳	۲۹	یکشنبه ۲۹	۳	۵۰
جمعه ۲۰	۳	۳۱			

در این اوقات که ماه مبارک صیام نزدیک است چون بقرار و قانون سایر ایام اجتماع خدم و حشم در دربار خان و اشتغال بخدمات دیوانی باعث خست و مستی است لهذا بجهت احترام اقدس ملکوتی اولیای دولت علیه فراری جهت آمدن توکر تا بدر بار محذرت مدار و مشغولی هر یک بخدمات محوله داده اند و درین روزنامه مسطور میگردد که احدی از اینقرار نباید تکلف نماید اما فی نظام از توپچی و سرباز و سواره و غیره که هر روز در میدان ارک و میدان خاج دروازه دولت مشغول میگردد در این ایام صیام از غره الی ۲۹ از مشق نمودن معاف و مرخص میشوند مگر قوادلهای قوادل خانهای ارک و شهر بقرار فوت معین در سر خدمت بود و سایر عبادت و ستراحت مشغول شوند معطلین و متعلین دارالفنون نیز درین مدت ایام صیام آزاد و مرخص هستند سایر توکر بابت مستوفیان عظام و صاحب منصبان نظام و امنای دیوانخانه مبارکه و متعلقان کشیکخانه و قتلخانه سلام و غیرهم شبهای جمعه و دو شنبه را از آمدن بدر بخانه معاف و مرخص میشوند و در سایر ایام بقاعه کیست معاف آفتاب نایب در در بخانه سلطانی حاضر شوند و افطار را در خدمت جناب شرف ارفع اعظم صدر اعظم خواهند بود و اشخاص باید سلام خاکپای مبارک شرفیاب شوند تا چهار ساعت از شب گذشته خواهند بود بعد از آن اذن مرخصی داشت اشخاصی که در مجلس افلا چناب معزنی الیه حاضرند الی ساعت بطلوع صبح مانده در خدمت جناب معزنی الیه خواهند و پس از آن هر یک نیز لهای خود خواهند رفت مگر کسانی که جناب معظّم الیه با آنها و باقی شخصیت باطلوع صبح هنگام معزنی الیه باقی بمانند و در این روز مبارک گذشته نوشته و اشخاصی که شبها در در بخانه مبارکه حاضر میشوند بجهت اینکه توکر تاکی از دهام بریاد نشود اعلی و ادالی می اختلاف المراتب از توکر تاکی فرستاده شوند که بمره خود بیایدند سایر ولایات

۲۱۳۷

خراسان از قراریکه در روزنامه ارض اقدس نوشته امورات اولایت قرین نظام است و رعایا و اهل  
 هر کس کجای و کسب خود و دعا کونی و آن اقدس سالیون شاهنشاهی اشتغال دارند قبل از آمدن برف و باران  
 جو و کندم در آن ولایت تعبیر زیاد بهم رسانیده بود ولی سحر الله بعد از وقوع بارندگیهای مایع و مویع در تعبیر  
 کندم و جو تزلزلی بهم رسیده چنانچه پیش از بارندگی کندم در چهار تومان و پنجاه و پنج تومان بدست می آمد حال در  
 بیت و هفت هزار و بیست و هشت هزار دینار و قور دارد (دیگر نوشته اند که اجودان فوج خسته یکصد سینه  
 در قریه آید لکن عالیجا و مقرب انجاقان میرزا ابراهیم خان سرسپ کزاده بودند سواره خسی تباحث آمد بهر حال  
 قلعه و تاصبح و عو کرده اخر الامراتی قریه آید لکن و سربازان سوار ترکمان را سکت میداد از ترکمانان چهار نفر  
 سر کرده یکپایش کلله خورده زنده دستگیر کرده اند و از قرار تقریر همان ترکمان که دستگیر شده محج شیخ همراه سواران  
 مزبور بوده است و از ترکمانان سوای اینها نیز مقتول و زخمی بوده است که خودشان برده اند و معلوم نیست  
 که از آنجا تباحث کدام طرف رفته باشند و نیز در پنجم ماه رجب تخمیناً هزار نفر پیاده و یکصد و پنجاه نفر سوار  
 سرخسی چند صد دینار چوبی حمل شتران کرده لبر قلعه راه که در جنب کلات است و پنجاه نفر سرباز در آنجا  
 میباشند آمده بودند اهل قلعه و سربازان خبردار شده تبه هم مانعت پیش آمده تا طلوع صبح با هم بجایش  
 زد و خور و مشغول بوده اند بالاخره ترکمانان سکت فاحش خورده و قریب سصد نفر از آنها کشته و زخمی  
 گردیده و در کمال خذلان و خواری مجروح و مقتول خود را حمل شتر کرده و زاری شده لیسبت خرس رفته بودند  
 و هفت سینه نفر از مقتولین آنها که در پای قلعه افتاده و صبح طالع شده فرصت بدر بردن نکرده بودند تا  
 آنجا و سربازان آنها را سز نموده روس آنها را نیز مقترب انجاقان میرزا ابراهیم خان آورده بود و مقترب انجاقان  
 مشایخ ترکمانان مزبور را تعاقب کرده بود ولی با آنها نرسیده و مراجعت بکلات نموده و سربازان را با رضی  
 فرستاده است) (جرات از قراریکه در روزنامه بهرات نوشته اند قبل از حید نواب مستطاب بهرات  
 افخم والی تاج حاکم السلطنه سلطان میرزا عالیجا میر معصوم خان پشیک آقاسی را با یکسب خرقه و لپا  
 خزا علی برسم خلعت برای مقترب انجاقان حکومت خان والی مینه روانه فرموده این اوقات آدمی متقرب  
 مراجعت نموده و عرضیه خدمت نواب معزی الی آورده بود و حکومت خان والی برهایای خود قدغن کرده بعد  
 دو هزار خروار غله حمل بهرات نموده اند که قدری با فرستاده عالیجا میر معصوم خان وارد بهرات کرده و با بقی  
 از غنای آورده اند و همچنین از ترکمانیه مرو نیز بقدری غله حمل و نقل بهرات کرده است) (چندی قبل ازین قافل  
 بهرات می آمده است در بالام غاسب و باش عالیجانی بعضی اموال تجار مزبور برده بودند نواب میرزا عالیجا  
 بیکری کسب شده فرستاده بود که اموال قانور استر داد نا پد عالیجا پیش از این نیز حسب حکم اموال را استر داد و لصابا جاسیم

۲۱۳۸

بعد از فتح هرات نواب مستطاب هم السلطنه لایات و داغات و اجارات را تا اضر سال برای رفاه خلق و  
 حصول دعا کوی ذات اقدس هاون شایسته بخشیده بودند بعد از انقضای سال گذشته که معرفت انخافان شیخ  
 سخنان الهیانی حسب احکام نواب معزنی الیه مستوفیان هرات را رسانده و اربابان تعیین صباط و مباشرین را  
 میداد معترف استند که درین سال هم یک ثلث لایات آنجا بجهت منظور شود اما فی التولایات یعنی زیاد درم  
 و دعا کوی میباشند) (دیگر نوشته اند که میرزا اسمعیل خان کلاتر کفر از غیبه خدمت نواب میرزا که نوشته بود که افغان  
 که سال گذشته بظرف قندار قرار کرده بودند سال بدون اعلای از این طرف خود را حجت نموده و در خانه و ملک نشین  
 آمده مستغنی عن تقصیرات خود مستند نواب معزنی الیه نیز قسم عمو بر جوامع آنها کشیده معترف نمودند که اسود با کمال  
 فارغیالی مشغول عیسی خود باشند فارس از قرار که در روزنامه فارس نوشته اند امور آن صفت  
 منظم است و نواب میرزا عبدالباقی میرزا و مقرب انخافان حاجی قوام الملک و حاجی محمد شمس خان دیوان یکی  
 و میرزا نعیم شکر نویس باشی فارس مراقبت و اهتمام تمام در انجام خدمات موجوده نمودارند و هر یک از حکام و ضابط  
 و عمال و مباشرین در محل ابواب جمعی مشغول با انجام خدمات محوله میباشند رعایا و زراعت کاران در اول موسم زراعت  
 تسلیس کلی سجه نیاندن باران بسم رسانده بودند و درخ غله و اجناس با کوله تزیی کرده و غله داران غله را پنهان  
 کرده بودند ولی بعد از آمدن بارانهای متوالی زارعین با کمال اطمینان زراعت بهاره را نیز بزیر کرده بدر  
 کامل نمودند و انبار داران نیز انبارهای خود را سکت غله بفرش رسانده و میرسانند و بالفعل بزیر غله در  
 صفحی فارس منزل نموده و فوراً وارد) (نواب مستطاب و الامام عبداله و حکمران مملکت فارس در بیت و مهم  
 رجب شیر از مراجعت نموده اند ایام سخن شفت و شت روز بوده است از جمله بیت و شش روز در کاندان تو  
 داشته مشغول و ستادن سیور است بار دوی بر از جان بوده اند و در پانزدهم جمادی الثانی به برابر جان رفت  
 و قشون و توپخانه و استعداد از آنجا بر نیک برده اند و زده بودند در سیزدهم رجب امیر الامراء العظام میرزا محمد  
 کشکی باشی با قشون و استعداد وارد آنجا گردیده و اردوی با نظمی بر پا کرده اطراف اردو را سکت نواب  
 بعد از ورود کشکی باشی پنج روز در آنجا بوده در و نهم از آنجا عزیمت شیراز نموده اند که در **دستان**  
 از قرار که در ضمن روزنامه کردستان نوشته بودند با بانام چراغی مقرب انخافان والی کردستان شیراز  
 خان فتح الله نام عطا کردستانی مهان بوده است بعد از صرف شام و شب نشینی زیاد فافوس بره شش کرده  
 تنها بیرون آمده بوده است که بخارج خود برود از قرار که در علی بصیرت حاج که اهل خانه او از خانه بیرون می آیند  
 می بینند در پشت در خانه افتاده از پاتا بینه او تمام سوخته و از سینه تا سر سوخته ولی خشم فاحشی در سر او دیده بود

احبار دول خارجه

۱۱۳۹



از قراریکه در روزنامه های فنیکستان و غیره نوشته اند حکمران حومی که در سمت غربی سودان واقع است در آن  
اوقات دو پسر خود را با جمعی از شکارچیان تحصیل فنون بفرستد و انگلیس و فرانسواست که اول بپاریس و بعد  
به لندن بروند و بجهت اعانت و تقوی که از دولتین فرورد در حق آنها لازم خواهد بود بامپراطور فرانس و ملکه انگلیس هر کدام  
نامه نوشته فرستادگان پاریس وارد شده و نامه امپراطور را رسانده اند و حکمدار نیز بجهت عدم اختلاط و  
از معلومات دول خودش را یکی از بزرگترین پادشاهان دنیا می شمارد و نامه که بامپراطور فرانس نوشته است  
بجارت و مضمونیت که کسی بنویسد و تابع خود حکم بنویسد (در این اوقات از جانب دولت روس تنظیم و مساح  
سواحل قزاقیکه و سایر راههای آن اطراف منظور شده و چون بجهت درست کردن سکنه در یک قابل در آن صفحات  
غایت لهند اعلام شده است بجهت دولت متحابه که بجهت خریدن آذوقه کشتی بان سواحل هند در رفتن که کشتیها  
انگلیس خالی است سکنه در یک بار کرده بسواحل فرورد و نقل و از دولت روس بهای آنرا دریافت کنند  
باب بیرون آوردن این سکنه بسهولت ارگشی بخشکی باجری تدابیر شده است) (مجلس مشورت دولت انگلیس  
چنانچه هر سال وقتی مجلس مفتوح بشود درین سال نیز بوجوب خبر تلگراف که رسیده است در اوله جب مجلس منعقد  
شده در حالتی که در بعضی مواد مهمه گفتگو میشد از جانب وکلای ملت در باب جنگ دولت انگلیس با چین مذاکره  
یافته است باین مضمون که جنگ با چین علی الاطلاق است و مبالغی باید صرف این کار بی فایده کرد و قطعاً نتایج حسنه  
ندارد بلکه این ماده تجارت وانی با چین خلل میرساند و ضررهای آینده آن مخلوط میشود و رفع این ماده را وکلای  
خو همشمنه شده اند و از جانب خوانین و وکلای دولت نیز بعضی جواب در مقابل داده و چونکه قانون قدیم معمول  
دولت انگلیس است وقتی که در سند وکلای طب و کلا و مأمورین دولت مخالفت نمایند رجوع بزبادتی طرفداران  
میشود و درین مسئله طرفداران وکلای طب بیشتر شده اند و درین صورت وکلا و مأمورین دولت نظربان قانون از  
مأموریت خود بابت استعفا نمایند ولی جناب لار و پارلمنتون استعفاي خود و وکلای دولت را با خیر انداخته  
و بلکه انگلیس عرض کرده است که وکلای ملت عرض شود و مجلس ثانی از وکلای جدید ملت منعقد کرد و معلوم شود که عموم  
طرف وکلای ملت را دارند بانه وکلای انگلیس نیز تمیمی را امسجین داشته و قبول کرده از استعفاي وکلای دولت علی الحساب  
صرف نظر نموده اند) (مصنف روزنامه دبا به پاریس بجهت حساب تجارت و کشتیهای تجاری دولت فرانس  
و آره است باین مضمون که در سبه عبوی کشتیهای تجاری که داخل بنا در آمده است میت و پنجاه هزار نفر مقصد  
بچ قطع و حمل آنها چاهر طیان و هفتاد و پنجاه هزاره دولت و سه تون شده است کشتیهای که از بنا در ما بجا  
چهارده هزار و چهارصد و سه کشتی و مقدار حمل آنها و طیان و میت و یکبار و هجده تون شده است و معلوم  
کشتیهای که از خارج داخل بنا در آمده است از کشتیهای ما خیلی زیاد تر اند و جمیع آنچه داخل شده و آنچه

۲۱۲۰

رفد است خواه بانسان بیدق فرشته و خواه بانسان بیدق خارجه چهل هزار و دولت و پنجه کشتی و حمل آنها  
 جنت شعیان و سصد و نود و شش هزار تون پشم حساب جداگانه هر بندری از بندر فرانسه از بنقر است  
 ماسین که شهر بزرگ تجارقی آنولایت است متجا و زانچ که در تون جنس با صغی نه سحرین النطفان که دو دریا  
 بزرگ مشرقیه و مغربیه با معامله کرده است بندر شهرها و در بجا لک نخلیس سمت شمالی یکی دنیا قریب که در جزیره  
 جنس داد و ستد نموده است و این تجارت است که همیشه بازار داد و ستد ما را بکشتهای بخار رونق میدهد و در  
 بندر سیتی فرانسه است که قریب شصت و پنجاه هزار خرد و اجنس با ولایات بجهه یکی دنیای جنوبی و دولت  
 اسپانیول ارسال و مرسول کرده است بندرناظر قریب چهار صد و بیست هزار خرد و اجنس با مالک براریل و لور  
 و خاک آفریقیه داد و ستد کرده است سه بندر دیگر که دو کرک و بولون و کالدا با قریب سه هزار خرد و اجنس که در  
 ذغال سنگی نخلیس و چوب کشتی سازی شمال و محصول مختلفه سحر باطیک پشم پشته بوده است و منظور مصنف تر بود این  
 همین ترقی تجارت ولایت خود پشم و میگوید نظر بقواعد جدیده و ولی امید است که بعد ازین تجارت دولت فرانسه  
 خیلی ترقی و وسعت یابد زیرا که این مونس گمان و چوب کشتی سازی و پشم بند و ستان و سایر اجناس خارجه  
 خرج کم کش کم شده است و زیاد داخل ولایت فرانسه خواهد شد و قواعد جدیده که تجارت را ترقی خواهد داد  
 بعد حساب تجارت دولت انگلوس را کرده میگوید دولت انگلوس ام و ز نهایت تسلط تجارت را در روی زمین دارد  
 و با اینکه قواعد سحری او خیلی سخت بود در ۱۸۴۲ عیسوی قبل از تصنیفات کتب نظم و خانه کشیر و برودیل که یکی از این  
 دولت انگلوس و مصنف مشهور این عصر است تجارت سحری نخلیس چهل و یک هزار و هفتاد و شصت کشتی و متجا و زان با نرود  
 که در جزیره حمل آنها بود ازین حساب معلوم میشود که چه قدر مال نخلیس زیاد از تمام تقستی که سجد کرد و آدم در مشرق  
 مال انگلوس باشد این قدری است که آنها جنبی از پیش گذشته اند ز کشتیهای تجارقی آنها مساوی کشتیهای  
 پشم و در جمیع دریای عالم ولایتها و خانههای تجارقی و انبارها و منازل دارند اینجا کمال وقت و تقصص لازم است  
 بعد از آنکه کلوی ارض سوئیز را بریده و در باره که سحر الاحمر و سحر الرقوم با هم متصل گردند چهار هزار فرسخ خاک مشرقیه بخا  
 و ننگستان نزدیک خواهد شد و عبور کشتیهای سحر و در راههای آبی و آتشک سیم تلفات در سحر و مشرق مغرب  
 در هر حال پوسته ترقی خواهیم داشت و مالک دنیا عتیقه که هند و ایران و چین و ژاپان و یام و کوشنی و کوریه باشد  
 و سعادت قدیمی آنولایات به توسط جد و جد علوم او و پانیه مجده و اتوله خواهد یافت (تاکنون در ونگستان و جاهای  
 بعضی اشخاص با افرای مخصوصه اقبیل شوره و غیره آب بنجد کرده و پنجم مصنوعی بسیارند که ملاحظه شد در این اوقات در یکی دنیا چند نفر با هم  
 اتفاق کرده و چند کاغذ مخصوص این کار ساخته اند و بطوری شرح بر آورده که هر یک من آن تختیا چهار عیار فنی و حتمی و در روز  
 و قیمت آن در نرگست نوشته اند این کارها را کرد و در باره اول شوق پیدا آن نماید خلق شده بخار نیز ازین کار نفع خواهد

۲۱۴۱

قطعه استراليا که در تحت حکومت انگليس است و چند سال است که از معدن آنجا طلاي فراوان حاصل ميشود و بگويي  
 در روزهاها نوشته شده از انگليسي و بر خلق روي زمين از هر ولايتي بجهت بيرون آوردن طلا از معدن با سنجاق  
 بعضي طلوع و بختشان مي آرد و توقع کلي کرده از آنجا سرور و مقصدي المرام با وطن خود ميروند و بعضي مسج عابدشان  
 و کرفار قهر و بي چيزي مي گردند بطوري که قدرت بيرون آمدن از آنجا ندارند و در آنجا بکند کردن کفشهاي مردم  
 که پست ترين بخلهاست مشغولي و گذران مي کنند از جمله اشخاصي که بختش سعادت کرده است در اين اوقات شخصی  
 اهل لندن که بسيار فقير و بي نصاحت بوده است زميني را بجهت طلا در کار کندن بوده پارچه طلاي خالص پيدا کرده بود  
 که تخميشا پنجاه شت من بوزن ايران بوده است يكبار از فقره پرشاني خلاص شده و با کشتي بخار بلندن معاودت  
 کرده است ( در دولت اسپانياول بسبب اختلافاتي که سابقا در آن ولايت برده داده و در روزهاها نوشته  
 اهل زراعت پارسال با هر زراعت نتوانسته بودند پير از زند و پانچ صورت غلظ و طلا در آنجا ظهور کرده اگر چه از آزاد  
 و ذخايري که از خارج با فولايت مي آيد دولت اسپانياول رسوم کم کم و غيره برداشت باز فایده نکرده بسيار مردم  
 و چارقه و کرسکي شده اند دولت اسپانياول در اين اوقات بجهت رفع اضطراب اين اشخاص حکم کرده است که  
 روزي پنجاه و چهار هزار تومان پنجه بفرما بدهند و علاوه بر اين قرارداد که از جانب دولت براي فقر شده است  
 ارباب مکت و ثروت نيز بقدر مقدار و در حق فقر امانت نمايند که دفع پرشاني آنها بشود ( در فرنگستان دان  
 چيني چنانکه ب فکر و حيال در نهي آيد ظهور ميکند از جمله در اين اوقات نوشته اند که در مارسيليا دختری با جمعي تبعه و فقه مبدگان  
 که مشغول بنفاس بوده رفته و از صاحب کان بقدر با نصد شصت تومان سباب بخريد و شاکر داور همراه برده بود که در منزل پول  
 به پنجاه رفته و شخصی نشان داده است با کرد در زبور و گفته است اين شوهر من است پول تمام بهد و خود غايب شده است  
 شاکر داور ان شخص رفته و بسيار قيمت سباب بر داده و مطالبه تنخواه نموده در جوابش گفته است که از وقتی که تو  
 باين علت کرفار شده تا حال چند مدت مي شود شاکر داور اين حرف چيزي نفهميد متحيره مانده و از سايرين پرسیده است  
 شخص کيست گفته اند اين طبيب ديوانگان است و سپر کي از غنويان آن صاحب کان چند وقت پيش از اين ديوان  
 شده بنزد اين طبيب آورد و مسبلني حق الطباير با داده مسبلني نيز تعهد کرده بود که بعد از صحت آن مجنون بهد و داده  
 بود باين حيله گرفته است شاکر داور صاحب کان را اخبار و گذارش بگويست اعلان کرده هر چه شخص گردندان دختر پيدا  
 اعلانات در بخت گذشته اعلان شده بود مجددا اعلان ميشود عاليجا هر سويو بره صاحب معلم سواره نظام  
 نظام بعضي سباب و يار بهراج ميکند در هر کس ميل بخريد سباب داشته باشد روز و شب آينده ساعت بظهور روز کوز  
 مانند در محله کوچ غزيبان نزد یکی خانه خواجه و ايلط تاجر باشي روس در خانه خود عاليجا بر بره صاحب حاضر باشد  
 که سباب بهراج ميشود

۲۱۴۲

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه پنجم شهر رمضان المبارک مطابق سال ۱۳۱۳

نمره سید ویشتر

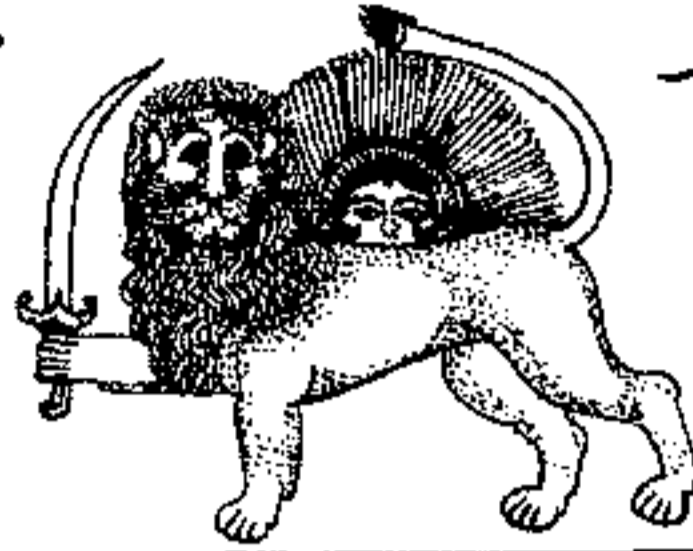
منطقه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلامات

هر نسخه شش

هر طرود شش



اخبار واحده ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران



در این اوقات که تمام ماه مبارک صیام است عموم این دارالخلافه مبارکه از علمای اعلام و مجتهدین ذوی العز و سادات عظام و سایرین اس از نوکر و عییت و تاجر و کاسب در مساجد و معابد طواف طاعات و عبادات قیام دارند و در هر یک از مساجد از جام کثیر از صفوف سلیمان با دای نماز جماعت و طاعات کلام اللذمجه ترتیب می یابند و چنانکه در هفته گذشته نوشته شد عموم نوکر از اهالی و ادانی درین ایام از خدمت در بخانه مرتخص و روزنامه در مساجد بعبادت و استماع موعظه مشغول اند و از اینکه دارالخلافه مبارکه طهران آبادی و محصورت و کثرت جمعیتش روز بروز در تری است هرل ماه مبارک جمعیت خلایق در مساجد و معابد بیشتر از سال دیگر ملاحظه میشود و فقهای عظام و ذوی القرب و الاحترام که پیروان دین و پیشوایان سلیمانند با مات جماعت قیام و فضیلهای کرام در نماز برپا ایادای صلوٰه شروع موعظه و نشر احادیث کرده قلوب سلیمان سابق سبکی خداوند یگانه و در ترویج قواعد اخلاقی مضای بنوی و قوانین شریعت عزای مصطفوی صلوات الله علیه و علی اله اجمعین دور و نزدیک مجمع طاعت و محضر عبادت را بهره یاب و راغب براه خیر و ثواب می نمایند و سجدات سال سجدت بارندگیهای متوالی هوام در کمال خوبی و طاعت بطوری که هنوز مردم از اطاقها میل بیرون خوابیدن نمی کنند و بعضی اوقات سسم بارندگیهای خوب میشود و بجهت خوبی هوای خندان صحت و عطش بروزه داران روی نمی دهد و اوضاع در بخانه مبارکه نیز تقریباً که در هفته گذشته در دید از یک ساعت بگذرد نهمه دایر و کسانی که در مجلس جناب مستطاب شرف امجد ارفع صدر عظیم مختم باید خطاب نمایند در آنجا حاضر و سایر طهرین در بخانه هر یک در منزل رسو و باشبان خود بجا از اظهار کس سجدهات مرتخص خود می پردازند تا چهار ساعت از شب گذشته اعلام مرتخص خانهای خود و بعضی که سجدت انجام امور لازم در کارند تا وقت

۲۱۴۳

حضور در برابر تاجون و خدمت جناب معظم الیه شیخ (چون عالیجاه مغرب الخاقان نادخان سرتیپ حسن  
 خدمت و کاروانی موصوف و از غمده خدمات که هر وقت باو محول شده است بطور شایستگی و صداقت  
 برآمده است و کفایت و محاسن حدنگذاری او مقبول و مستحسن خاطر اعلیحضرت امده سن تاجون شاهنشاهی افتاد  
 لهذا محض مرهم خدمت و درین اوقات یک قطعه نشان ایشان سرتیپ این مقام بگرفته و باین شرح مخصوص آن  
 بموجب فرمان مهر لعلان مبارک در حق مغرب الخاقان مشارالیه حجت گردید (چون بقانون شده اول در هر  
 که از جانب اعلیحضرت امیر اطوژر و سنجانشین جدید مأمور بفرمانروائی مملکت قفقاز میشود باقتضای مراسم  
 و مودت دولتیست و نیز کتیبان ایران و روس صاحب منصب معتبر با دروغه مخالفت و دروغ برای بیگانه  
 دستگاه طوکاره مرسله مودت و اصله سبجه اولیای دولت روز افزون با نظام پاره تعارفات برای اخبار  
 مأموریت خودشان بدار الخاقان ابابره مأمور و روانه می کنند در این اوقات هم که جناب جلالت و امامت  
 بارانگی جانشین اعلیحضرت امیر اطوری بفرمانروائی مملکت قفقاز مأمور شده اند بنا بر عادت مرسم مصافحت  
 و موافقت حضرتین عالیجاه محبت و نبالت همراه جنرال کینیاژ لیکوف را با سایر صاحب منصبان سبجه اعلام  
 مأموریت خودشان بان مملکت امور و روانه دار الخاقان کرده بودند چنانچه تفصیل آن در روزنامه سابق مندرج  
 شده است عالیجاه مشارالیه پاره در ابا و تعارفات از جانب جناب جانشین قفقاز از قبیل انقیاد ان مکمل با  
 وساعت مرضع و اکثر الماس برای بعضی از خانواده سلطنت عظمی و اولیاء و رجال دولت علیه و وزارت  
 خارجه و برخی از اعیان دولت هم چنین از برای چند نفر از علمای اعلام آورده بودند تعارف هر یک را  
 عالیجاه نبالت همراه کینیاژ لیکوف بعد از حصول طاقات مصحوب یکی از صاحب منصبان همراه خود  
 در کمال محقوریت و ادب ابلاغ نمود و از جانب ایشان هم برای آورنده و حامل و ایا تعارفات لازم بعمل آمده و خود  
 امده) عهدنامه صلح و صفا و مسالمت که فیما بین دولتیست و کتیبان ایران و انگلیس مبارکی و مینیت  
 انعقاد یافت باقتضای مرسم سلم و صفوت حضرتین لازم بود که از جانب دولت علیه کسی برای دعوت  
 محبت و قیامت نصاب چارلس مور و وزیر مختار و پهلوی مخصوص دولت بکنکس باقامت دار الخاقان  
 مأمور و روانه دار السلام بغداد و شود و در این اوقات انخوا این العظام حسنعلی خان سرتیپ افواج کردس و جنرال  
 خاص حضور تاجون که از خانواده های نجیب ایران دنو که محترم دولت و حاضر نشان سرتیپکی عیاش از دربار  
 تاجون بجهتین مقصود در روز چهارشنبه چهارم ماه رمضان روانه مقصد گردید و همچنین بنا بر عادت رسومی  
 و مصافحات دولتیست و کتیبان ایران و انگلیس عیاشت کسی از محبتین چاکران در باره تاجون از جانب دولت  
 علیه برای تقدیم لوازم مانداری جناب مستری الیه روانه کرمانشاهان شود تا بعد از آنکه جناب وزیر مختار از خا

۲۱۴۴

دولت عثمانی گذشته دارد خاک دولت علیه شد از لطایف ممانداری قیام نماید علی بن علی عیاشی  
 نادیمان سرتیب جهان کلونه حامل نشان شیر و خورشید تیسری از درجه اول با حایل مخصوص ان  
 دولت علیه موافق احکام و دستور العمل لازم در چهارم ماه مبارک روز سه شنبه عرافین و حکام و مسافران  
 امور دیوانی عرض راه از ستر حدالی دار انحلاف احکام صادر کردید که لوازم توقیرات ایشان را از فراد  
 بتقدیم رسانند (عالیجاهان محمدتیسرا انان قتی الامراء العظام محمد صدیق خان و محمد جبار خان و ناد  
 و سایر اولاد مرحوم یار محمد خان ظهیر الله که برکاتب بهایون آمده بودند این روزها مشغول عواطف سرکار  
 اقدس شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطانه گردید و خلعت انعام فرمود حال هر یک رحمت شد و  
 حاصل کرده رفتند) چون مرحوم عسکر خان سرتیب فاشا را روحی در راه خدمت دولت تصدیق شد  
 لهذا مقرب الخاقان یوسف خان برادرش در جای او منصب تیسری سرافراز فرمان بهایون در  
 منصب تیسری او شرف صد و یافت (عالیجاه خانسوار خان هزاره و حاکم مرد که با کد خدا یان بر  
 برکاتب تیسری انتساب آمده بود این روزها از جانب سنی ابوجانس ملوکانه خلعت انعام و روحی  
 مرحمت شده رحمت انصاف حاصل کردند) (عالیجاه تیسری انان نظام میان خان نایب اجودان با  
 نایب سفارت کبری سابقا امور بطرز بویغ شده بود در روی عقل و دست و صداقت رفتار کرد بعد از ان هم با نایب سفارت  
 که امور پاریس گشت جوهر درایت قاعده داد و صد و در وقت ان ظهور آورد اما اینکه حامل عهد صلح است در این و این شده  
 بیعت تمام خود را با انکار و الباهر سپید و عهد مبارک را با بولهای دولت علیه اطلاع کرد در تبارانی و کفایت تمام  
 مواظبت و مشهور و شکار رحمت دستگاه ملوکانه کردید مورد الطاف حسروانی گشت در اول در دبا عطای یک طاق  
 نرزم برسم خلعت آفتاب طلعت قرین مباحات آمد بعد از ان موافق فرمان حضرت نشان در درجه تیسری نایل  
 و ولایت تومان بر پا نمودن موجب سابق او افرق و بشمول مکارم حسروانی سرافرازی یافت و این روزها  
 حب الاموال اقدس شخصی فیه با شجاعت اعدای دولت علیه روئین با نایب سفارت کبری خواهد شد

**سایر ولایات** (حمه) از فرار که در روزنامه حمه نوشته اند از حسن قیمت  
 و اتهامات مقرب الخاقان چرخ علی خان حاکم حمه امور آن ولایت قرین انظام و انضباط است هوای  
 در این اوقات کمال برودت را بهم رسانده است چنانکه نوشته اند نسبت روز بعد از عهد سعید سلطانی  
 زیاد بود ولایت حمه بارید و در بعضی از نوبت که خسته تاد و سه روز برف در زمین بود و هوای حمه  
 سرد شده و در خانه ها در مینها کلاخ لب و بعضی اشجار نیز که قریب برگ و سگوفه بودند این سرد سرد  
 مقرب الخاقان چرخ علی خان حاکم حمه بعد از سیزده عهد نوروز عالیجاه میرزا و لیجان نایب الحکوم را با عالی

۲۱۴۵